



# بہجت کلام

عاشقِ امام  
عاشقِ امام

در کلام حضرت آیت اللہ العظمیٰ بہجت مدظلہ

• سید مہدی شمس الدین





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللهم كن لوليك العجة  
بن الحسن صلواتك  
عليه و على آبائه في  
هذه الساعة و في كل  
ساعة ولياً و حافظاً و  
قائداً و ناصرأ و دليلاً و  
عيناً حتى تسكنه ارضك  
طوعاً و تمتعه فيها طويلاً

# بهارانہ

امام غائب علیہ السلام

در کلام

آیة اللہ العظمیٰ بہجت (دامت برکاتہ)

سید مہدی شمس الدین

شمس الدین، مهدی، ۱۳۳۷ -

بهارانه: حضرت غائب علیه السلام در کلمات آیه الله العظمی آقای بهجت (دامت برکاته) /  
سید مهدی شمس الدین - قم: مؤسسه توسعه فرهنگ قرآنی، ۱۳۸۴.  
۱۲۸ ص.

ISBN:964 - 8800 - 01 - 4

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه بصورت زیر نویس.

۱. بهجت، محمد تقی، ۱۲۹۴ - نظریه درباره حضرت مهدی (ع). ۲. محمد بن  
الحسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۴ ق - الف. عنوان ب. عنوان: حضرت غائب علیه السلام در  
کلمات آیه الله العظمی آقای بهجت (دامت برکاته).

۲۹۷ / ۴۶۲

ش ۸ ب ۹ / ۳۵ / ۵۱ BP

۱۳۸۴

## بهارانه

سید مهدی شمس الدین

ناشر: مؤسسه توسعه فرهنگ قرآنی

نوبت چاپ: دوم / آبان ۱۳۸۴

شمارگان: ۴۰۰۰

صفحه آرای: شریفی

چاپ: نگین

شابک: ۴ - ۰۱ - ۸۱۰۰ - ۹۶۴

مرکز پخش:

انتشارات شفق، قم، خیابان شهدا

تلفن ۷۷۴۱۰۲۸ فاکس ۷۷۴۴۸۳۶

۸۰۰ تومان

## « فهرست مطالب »

### بهارانه

- بهارانه! ..... ۱۷
- اوج صعود ..... ۱۹
- مدار یار ..... ۲۷
- تجسم عینی ..... ۳۰

### غیبت و دشواری‌های راه

- چرا غائب؟ ..... ۳۵
- اشکال به امر غیبت ..... ۳۶
- اثبات غیبت امام ..... ۳۶
- مصیبت فقد امام ..... ۳۶
- دشواری راه امام ..... ۳۷
- صبر و تحمل امام عصر علیه السلام ..... ۳۷

|    |       |                                                |
|----|-------|------------------------------------------------|
| ۳۸ | ..... | خانه نشینی امام عصر <small>علیه السلام</small> |
| ۳۸ | ..... | نسب سفیانی                                     |
| ۳۹ | ..... | فتنه سفیانی                                    |
| ۳۹ | ..... | سفیانی هست                                     |
| ۴۰ | ..... | ماجرای سفیانی                                  |
| ۴۱ | ..... | آزادی یا اسلام؟                                |
| ۴۱ | ..... | کشتار قبل از ظهور!                             |
| ۴۱ | ..... | تأخیر فرج!                                     |
| ۴۲ | ..... | قیام نکنید!                                    |
| ۴۲ | ..... | تفسیر اولوالامر                                |
| ۴۳ | ..... | فتنه آخرالزمان                                 |
| ۴۳ | ..... | شیرین کام با فرج امام                          |
| ۴۴ | ..... | سوختن و ساختن!                                 |
| ۴۵ | ..... | وضعیت دوران غیبت                               |
| ۴۶ | ..... | آزمون غیبت                                     |
| ۴۷ | ..... | قله‌های عرفانی در غیبت                         |

### وظیفه منتظران

|    |       |                                          |
|----|-------|------------------------------------------|
| ۵۱ | ..... | وظایف دوران غیبت                         |
| ۵۲ | ..... | دفتر امام عصر <small>علیه السلام</small> |
| ۵۲ | ..... | آمادگی برای ظهور                         |

|    |                                                |
|----|------------------------------------------------|
| ۵۲ | آیا منتظریم؟                                   |
| ۵۳ | اعتقاد به امام                                 |
| ۵۴ | ایمان به حضرت!                                 |
| ۵۴ | اعتقاد کامل!                                   |
| ۵۵ | احاطه کامل امام                                |
| ۵۶ | تبعیت محض                                      |
| ۵۶ | اشراف کامل امام عصر <small>علیه السلام</small> |
| ۵۷ | راههای ارتباط                                  |
| ۵۷ | رابطه قوی با امام                              |
| ۵۸ | راه ایجاد و محبت و ارتباط                      |
| ۵۸ | چشم بینا و گوش شنوا                            |
| ۵۹ | نزدیک صاحب کار                                 |
| ۵۹ | حفظ رابطه با امام                              |
| ۶۰ | لوازم انتظار                                   |
| ۶۱ | شیوه تقیه                                      |
| ۶۱ | لازمه انتظار!                                  |
| ۶۲ | دوست امیر                                      |
| ۶۳ | رضایت امام عصر                                 |
| ۶۳ | کسب رضایت امام عصر <small>علیه السلام</small>  |
| ۶۴ | در راه امام                                    |
| ۶۴ | نارضایتی امام زمان <small>علیه السلام</small>  |



## ۸ صحیح بهارانه

- ۶۶ ..... غفلت از امام حاضر
- ۶۸ ..... لازم نیست حضرت بیاید!
- ۶۸ ..... جفا با امام
- ۶۹ ..... دست امام را بستیم!
- ۷۰ ..... عین الله الناظرة
- ۷۱ ..... تیراندازی به حضرت!
- ۷۲ ..... امضاء امام زمان علیه السلام
- ۷۲ ..... حضور نزد عارفان
- ۷۳ ..... آثار دعای فرج
- ۷۳ ..... حزن امام عصر علیه السلام
- ۷۳ ..... پناه اهل ایمان
- ۷۴ ..... توجه و توسل مؤثر
- ۷۴ ..... خشوع در نماز
- ۷۴ ..... کمال انسان
- ۷۵ ..... دعای همگانی
- ۷۵ ..... اصلاح نفس رمز ارتباط
- ۷۶ ..... حضور دائم
- ۷۶ ..... حجابهای دیدار
- ۷۷ ..... مهم ترین دعای با اثر
- ۷۷ ..... دعا برای امام
- ۷۸ ..... دعای فرج، دعا برای بشریت

## بهارانه ۹

|    |                             |
|----|-----------------------------|
| ۷۹ | دعای فرج، دواي دردها        |
| ۸۰ | رفع گرفتاری با دعای فرج     |
| ۸۱ | تأثیر قطعی دعای فرج         |
| ۸۲ | دعای فرج                    |
| ۸۲ | دعا در حج                   |
| ۸۳ | شرایط و نتایج دعای فرج      |
| ۸۴ | دعای واقعی                  |
| ۸۴ | راهکار ظهور                 |
| ۸۴ | دعای فرج                    |
| ۸۴ | توبه و دعا برای ظهور        |
| ۸۵ | دعاهای زمان غیبت            |
| ۸۶ | فایده دعای فرج برای منحرفان |
| ۸۶ | طریق و ضلوع                 |
| ۸۷ | گریه در مقام                |
| ۸۷ | رابطه کامل با حضرت!         |

## عنایت ویژه

|    |                          |
|----|--------------------------|
| ۹۱ | توجه امام زمان به شیعیان |
| ۹۲ | جزیره خضراء!             |
| ۹۲ | تشنگان وصال              |
| ۹۲ | عنایت خاص حضرت           |

## ۱۰ بهارانه

- ۹۳ ..... حمایت‌های امام عصر علیه السلام
- ۹۳ ..... امام در دل
- ۹۴ ..... قلب آباد
- ۹۴ ..... مدت حکومت مهدی علیه السلام
- ۹۴ ..... کتابهای سید!

## نزدیکی ظهور

- ۹۷ ..... نزدیکی ظهور
- ۹۷ ..... ظهور در چند قدمی!
- ۹۸ ..... ظهور نزدیک است
- ۹۸ ..... قساوت قلب علامت ظهور
- ۹۸ ..... وقت ظهور؟
- ۹۹ ..... از علائم ظهور
- ۹۹ ..... تعیین زمان ظهور
- ۱۰۱ ..... آماده ظهور
- ۱۰۱ ..... اطلاع حضرت از زمان ظهور
- ۱۰۲ ..... زمان ظهور
- ۱۰۳ ..... سال ظهور!
- ۱۰۴ ..... با خبری
- ۱۰۴ ..... روایات در عصر ظهور
- ۱۰۵ ..... کیفیت پیروزی

تشرفات

- اعلام دیدار..... ۱۰۹
- ادعای دیدار..... ۱۰۹
- دیدار یار..... ۱۰۹
- افضل از تشرّف!..... ۱۱۰
- غفلت از حضرت..... ۱۱۰
- راه دیدار..... ۱۱۱
- طریق تشرّف..... ۱۱۱
- اصلاح خویش، رمز تشرّف..... ۱۱۲
- تهذیب، شرط تشرّف..... ۱۱۲
- سیمای جوان امام..... ۱۱۴
- رساله به دستور امام..... ۱۱۴
- فرجم نزدیک است!..... ۱۱۵
- درک زمان ظهور..... ۱۱۵
- حضور حضرت حجت در مجلس..... ۱۱۵
- تشرّف قطعی..... ۱۱۶
- حضرت در مجلس حدیث کسا..... ۱۱۶
- تشرّف کوفی..... ۱۱۶
- برکات حضور..... ۱۱۷
- تشرّف در خواب..... ۱۱۸
- نظارت امام عصر علیه السلام..... ۱۱۹



- ۱۲۰ ..... تشریف در مدینه
- ۱۲۱ ..... امام عصر علیه السلام از دیدگاه اهل سنت
- ۱۲۱ ..... دعای فرج در اول وقت!
- ۱۲۱ ..... مسجد جمکران
- ۱۲۲ ..... پیوستن به امام
- ۱۲۳ ..... التماس دعای امام!
- ۱۲۴ ..... دستور تقلید
- ۱۲۵ ..... منتظران ظهور!
- ۱۲۶ ..... بحران هویت

## در یک نگاه:

- ۱- بهارانه
- ۲- غیبت و دشواری‌های راه
- ۳- وظیفه منتظران
- ۴- عنایت ویژه
- ۵- نزدیکی ظهور
- ۶- تشریفات

۱

**بهارانه**

## ودیعۀ پروردگار!

چه باشم و چه نباشم بهار در راه است  
بهار هم نفس ذوالفقار در راه است

نگاه منتظران عاشقانه می‌خواند  
که آفتاب شب انتظار در راه است

به جاده‌های کسالت به راه‌های تهی  
خبر دهید که آن تک سوار در راه است

کدام جمعه ندانسته‌ام ولی پیدا است  
که آن ودیعۀ پروردگار در راه است



## بهارانه!

کتاب حاضر را «بهارانه» نام نهادیم. چرا که ظهور یار را بهار بشریت می‌دانیم. با آمدن یار، بهار دل‌انگیز آفرینش را شاهد خواهیم بود. بهار دین، بهار علم، بهار ترقی و تکامل، بهار طبیعت جان، بهار آفرینش و بهار خلقت بی‌بدیع حضرت دوست.

چون فرمان تحقق خلقت از جایگاه ربوبی عرش رحمان بر ملکوتیان صادر گردید، و ندای جان‌بخش «انی جاعل فی الارض خلیفة»<sup>۱</sup> در گوش آسمانیان طنین افکند؛ آنان که جز لطافت و یکسویی نمی‌دانستند فغان بر آوردند و پائیزان بشریت را به رخ کشیدند و گفتند: «اتجعل فیها و یسفک الدماء»<sup>۲</sup> و تمام باطن مصفای خویش را بروز دادند: «و نحن نسبح بحمدك و نقدس لك»<sup>۳</sup>.

اما حکیم بی‌بدیل و کرسی‌نشین عالم خلقت با رمز‌گشایی از موجود پیچیده و تو در توی عرش جایگاه و فرش پایگاه آفرینش که به ظرافت تام، انسان و آدمش نامیدند، باب پاسخی لطیف و عمیق بر آنان گشود و باندایی نغز و جانانه بر یک جانبه‌نگری‌اشان مهر تأیید نهاد و فرمود: «انی اعلم ما لا تعلمون»<sup>۴</sup>.

۱. بقره: ۳۰

۲. بقره: ۳۰

۳. بقره: ۳۰

۴. بقره: ۳۰

و آن گاه که سر سلسلهٔ بهار آفرینان را تعلیم بهاری داد، و با شهاب ثاقب «و علم آدم الاسماء کلها»<sup>۱</sup> پرونده معرفتی او را به منظر ناظران بی نظر نهاد، دیدگان را خیره ساخت و حیرت آشکار بر رویشان نمودار ساخت، و قالب خلافة الاهی را منزلگاه نهایی «نطفة علقه مضغه»<sup>۲</sup> قرار داد، همگان بر صنع حسن خالق قادر منان به تحسین و سپاس نشستند و بر شاه بیت «فتبارك الله احسن الخالقين»<sup>۳</sup> اقرار بی انکار نمودند!

اوج عرشی این بهارانه را باید در دوران ظهور بهار هستی به جستجو نشست. و چون ظهور فرماید، تحقق بهاری خلقت حکیمانه حضرت دوست را می توان به عیان نظاره گر بود، و بهار دل آرای آدم و عالم را در جامعه نورانی و بی نظیر مهدوی مشاهده نمود.

و آن بهار سراسر لطافت و خیر و نور به زودی بساط پائیزی زمستان سرد و خشک را در هم خواهد پیچید، و وعدهٔ آسمانی تمامی سفیران نورانی و حی در زمانی نه چندان دور به بار خواهد نشست، و این کمال و تعالی نهایی خلقت چه زیبا و عرشی بروز خواهد نمود، و چه پر طراوت و مفتون می کند جان و روان عرشی جایگاه و فرشی سکنای موضوع خاص خلقت را!

بیانات و کلمات و ارشادات نورانی پیر فرزانه میخانه عشق و مرشد رشد آفرین عقل و خرد، چه زیبا به پاییزیان زمستان نشین مستی عارفانه می بخشد و بر تهیو و استعداد بهار خواهان منتظر در کلاس نور و فضیلت کلام عرشی خود می افزاید. و چنین باد!

۲. حج: ۵.

۱. بقره: ۳۱.

۳. مؤمنون: ۱۴.

آنچه در این دفتر در برابر دیدگان به راه خیره مانده منتظرانِ قدوم یار قرار دارد، تراوشات ملکوتی ذهن و بیان بزرگ عارف معاصر، فقیه اصولی، فیلسوف زاهد، عابد شاهد، سفره دار کرامت حضرت دوست، نایب به حق حضرت غائب، جناب سالک و اصل آیه الله الحق حضرت حاج شیخ محمد تقی بهجت فومنی حفظه الله تعالی و آینده می باشد، که توفیق ساختار چنینی اش مزید فخر و سپاس این کمترین است. گوارای وجودتان باد!

### لوج صعود

روی عن عبّاد بن کثیر البصری، قال: قلت للباقر علیه السلام: ما حق المؤمن علی الله؟  
فصرف وجهه. فسألته عنه ثلاثاً.

فقال: من حق المؤمن علی الله ان لو قال لتلك النخلة أقبلی، لأقبلت!

قال عبّاد: فنظرتُ و الله الی النخلة الّتی كانت هناك قد تحرّکت مقبلة! فأشار الیهما:  
قرّی، فلم أعنک! <sup>۱</sup>

عبّاد بن بصری گفت: به حضرت امام باقر علیه السلام گفتم که: حق مؤمن بر خداوند چیست؟ مومن چه حقی بر پروردگار متعال دارد؟

آن حضرت روی خود را برگرداند و پاسخی نداد. سؤال خود را تا سه بار تکرار کردم، تا آنکه امام در پاسخ من فرمود:

از حق مومن بر خداوند آن است که اگر به آن درخت خرما بگوید: جلو بیا! درخت جلو بیا!

عبّاد می‌گوید: بخدا قسم به درخت خرمايي که مورد اشاره امام قرار گرفت، نگاه کردم و دیدم از جای خود حرکت کرد و بسوی امام آمد. در این لحظه آن حضرت اشاره‌ای به درخت نخل کرد و فرمود: بر جای خود بمان که منظورم تو نبودی!

در توضیح این حدیث، چند نکته قابل دقت و تأمل است:

۱- حضرت فرمود: «حق المؤمن» و فرمود: «حق الامام» و این بدان معناست که مسئله فراتر از شأن والای امامت است و هر کس را که عنوان ایمان بر او صدق کند، شامل می‌شود.

۲- سؤال راوی، کلی بود: «ما حق المؤمن» یعنی حق بر خداوند چیست. اما پاسخ امام چنین بود: «من حق المؤمن» یعنی بخشی از حق مؤمن بر خداوند این است... و این یعنی آنکه حق مؤمن بر خداوند بسیار فراتر از اینهاست و تنها بخشی و گوشه‌ای از حق مؤمن را ذکر فرموده است، اما چون سطح فکر و استعداد معرفتی سؤال کننده بیش از این نبود، چنین پاسخی داده شد، و چه بسا اگر اشخاصی چون سلمان فارسی و یا کمیل بن زیاد چنین سؤالی داشتند معلوم نبود که چه پاسخی دریافت می‌کردند.

۳- نفوذ کلام و قدرت تصرف در طبیعت و به اصطلاح عرفانی و فلسفی، اقتدار بر طبیعت که از امتیازات عارف واقعی است؛ هدیه الهی به مومن نیست تا بحث‌های تبعیض و... پیش آید، بلکه پاداشی در برابر زحمت و ریاضت و خودسازی و جهاد با نفس و سرکوب هواهای نفسانی است. اصل مهم تقوا مهم‌ترین عامل دستیابی بدان جایگاه رفیع است.



و لذا فرمود: «واتقوا الله و يعلمكم الله»<sup>۱</sup> یعنی تقوا پیشه کنید تا خداوند شما را به رموز عالم و اسرار طبیعت که نتیجه‌اش اقتدار بر آفرینش است، آگاه سازد.

و جالب آنکه در ادامه این نکته لطیف عرشی می‌فرماید:

«والله بكل شیء علیم»<sup>۲</sup>. فتدبّر و تأمل!

۴- وقتی گفته می‌شود که حق مومن بر خدا چنین است، معنایش این نیست که مومن، طلبکار از خداوند است! زیرا او خالق و منعم مطلق است و همه مخلوقات وابسته محض او هستند، بلکه این بدان معناست که لطف و کرامت ربوبی او اقتضا دارد که هر اقدامی را پاداش و اجر عنایت فرماید، و مشیت حکیمانه‌اش بر پاداش دهی کریمانه قرار گرفته است.

دقیقاً مثل آنکه می‌فرماید: «ان الله اشتری من المومنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة...»<sup>۳</sup> یعنی خداوند از مومنین جان و مالشان را خریداری می‌کند و بهشت را در ازاء آن به آنها عطا می‌فرماید!

در حالی که جان و مال و همه هستی بشر ملک طلق پروردگار است و کسی چیزی از خود ندارد: «یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله و الله هو الغنی الحمید»<sup>۴</sup> یعنی همه شما نیازمند خداوند هستید و او بی نیاز مطلق است.

و به تعبیر حکیم الهی ملا صدرا شیرازی، فقر بشر مسئله‌ای نیست که بر او عارض شده باشد یعنی از عوارض ذات او نیست بلکه فقر جزء ذاتی بشر است...

۲. بقره: ۲۸۲

۴. فاطر: ۱۵

۱. بقره: ۲۸۲

۳. توبه: ۱۱۱

دل بریدم ز خلاق که همه محتاجند

بی نیازی تو و من بر تو پناه آوردم

ما فقیریم بذات و تو غنی بالذات

حاصل عجز خود این حال تباه آوردم

مهم اینکه اگر انسان احساس غنی و بی نیازی کند، به سرکشی و طغیان

و خود محوری و تجاوز از حدود مبتلا می شود. قرآن کریم در این باره

می فرماید: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَإِغْتَابٍ»<sup>۱</sup>.

۵- آنان که به این جایگاه رفیع معنوی دست یافتند و چنین قدرت فوق

العاده‌ای بدست آوردند، هرگز به جهت اغراض شخصی و نفسانی‌اشان از

آن بهره نمی‌گرفتند، زیرا معنای «واتقوا الله» که قدم نخستین و ایستگاه اول

این سیر ملکوتی است، همانا کشتن هوای نفسانی و عبور از اغراض شخصی

است. اینان جز خداوند و مصالح اهمّ مورد رضایت او - مثل تربیت نفوس

مستعدّه یا نجات بعضی گرفتاران و... - هیچ امری در بهره‌گیری‌اشان از این

کرامت الهی دخیل نیست.

این ماجرا را مرحوم پدرم رحمه الله تعالی علیه نقل می‌کرد - و من از

مدرک آن بی اطلاع هستم -

شخصی بود که بسیار بدنبال آموختن اسم اعظم الهی - که کلید رمز تمام

قفل‌های عالم است - بود. پس از سالها تفحص و پی‌گیری، انسان والا مقامی

را یافت که اسم اعظم می‌دانست. نزد او رفت و تقاضای خود را مطرح کرد.

او نپذیرفت. مدت‌ها اصرار و ابرام بسیار داشت تا بالاخره آن بزرگوار به او فرمود که فردا صبح اول طلوع آفتاب به دروازه شهر برو و آنچه مشاهده کردی برایم نقل کن.

او چنان کرد و اول وقت صبح کنار دروازه شهر ایستاد و به تماشا مشغول شد و دید که پیرمردی از شهر خارج شده و مقداری هیزم از صحرا جمع آوری کرده و روی پشت خود نهاده و جهت فروش به شهر می‌آورد. در مدخل ورودی شهر، یکی از ستمگران ظالم به او برخورد کرد و آمرانه فرمان داد که هیزم‌ها را به او بدهد. پیرمرد گفت: امرار معاش من از فروش این هیزم‌هاست، پولش را بده و ببر. او با عصبانیت بر پیرمرد حمله کرد و هیزم‌ها را به زور از او گرفت و او را مورد ضرب و شتم هم قرار داد - و شاید او را مجروح نیز کرد - و رفت!

پیرمرد بی‌نوا با آه و ناله از جای برخاست و لباس خود را تکان داد و گرد و غبارها را از خود زدود و راهش را گرفت و رفت! این شخص ناظر، در دل با خود گفت که اگر آن آقا زودتر اسم اعظم را به من آموخته بود، الآن بوسیله همان به حساب آن ظالم می‌رسیدم و حق پیرمرد را از او می‌ستاندم.

بالاخره طبق قرار به سراغ حضرت استاد رفت و ضمن بیان ماجرا، گلایه خود را نیز مطرح کرد که اگر شما اسم اعظم را به من آموخته بودید یک مظلوم را نجات می‌دادم.

آن بزرگوار لبخندی زد و گفت: آن پیرمرد را که دیدی، کسی است که اسم اعظم را به من آموخته است!! اما خود از آن بهره نگرفت! و تو که

طاقت و تحمل کمی داری چطور می توانی حامل این سرّ عظیم الهی باشی!  
اگر شنیده ایم که عده ای از اولیاء الهی - صرف نظر از معصومین علیهم السلام دارای مقاماتی چون «طی الارض» و «طی الزمان» هستند، از همین مقوله مورد بحث است.

علامه بزرگوار طباطبایی رضوان الله تعالی علیه درباره استادشان فرمودند: مرحوم قاضی علیه السلام همیشه در ایام زیارتی از نجف اشرف به کربلا مشرف می شد. هیچگاه کسی ندید که او سوار ماشین شود! و از این سرّ احدی مطلع نشد! جز یک نفر از کسبه بازار ساعت (بازار بزرگ) که به مشهد مقدس مشرف شده بود و مرحوم قاضی را در مشهد دیده بود و از ایشان اصلاح امر گذرنامه خود را خواسته بود و ایشان هم اصلاح کرده (و مشکل او را حل کرده) بودند.

آن مرد چون به نجف آمد، افشا کرد که من آقای قاضی را در مشهد دیدم!  
مرحوم قاضی خیلی عصبانی شدند و گفتند: همه می دانند که من در نجف بوده ام و مسافرتی نکرده ام!

آیه الله محمد حسین تهرانی رضوان الله تعالی علیه فرمود: در نجف اشرف از یک مرد عرب که سالک راه خداوند و صادقی شوریده حال بود، شنیدم که می گفت: من در آن اوقاتی که در عوالم تحیر بسر می بردم، یکماه و بلکه بیشتر گذشت که هیچ قوت لایموتی و هیچ غذای بخور و نمیری نداشتیم! و ابداً این گذشت زمان را احساس نکردیم! و خود و عیالاتم ابداً از

گذشت این زمان طولانی مطلع نشدیم و خیلی به خوشی و سرور گذرانندیم!

کما اینکه ملاک در تمامی کراماتی که به حق از وارستگان عارف کامل به منصه ظهور و بروز رسیده است، جز این حقیقت نورانی چیزی نیست. از یکی از بزرگان علمی و مدرسین والامقام نجف اشرف نقل شده که می گفت: من درباره مرحوم آیه الله حاج میرزا علی قاضی طباطبایی رحمته و مطالبی که از کشف و کرامات ایشان نقل می شد، در شک بودم که آیا اینها درست است یا تخیل! و مدتها با خودم در این باره حدیث نفس می کردم و کسی هم از نیت و فکر من خبری نداشت.

روزی برای انجام عبادت به مسجد کوفه رفتم. مرحوم قاضی رحمته زیاد به مسجد کوفه می رفت و حجره خاصی در آنجا داشت، کما اینکه به مسجد سهله هم زیاد علاقه مند بود و بسیاری از شبها را تا صبح در آنجا عبادت می کرد.

آن روز من در بیرون مسجد به مرحوم قاضی رحمته برخورد کردم و ضمن احوالپرسی و صحبت با یکدیگر، بسوی مسجد حرکت کردیم تا به پشت مسجد رسیدیم و در همان بیابان، پای دیوارهای بلند مسجد در طرف قبله روی زمین نشستیم تا رفع خستگی کنیم و بعد وارد مسجد بشویم.

گرم صحبت شدیم و مرحوم قاضی رحمته از اسرار و آیات الهیه مطالبی نقل کرد، و از مقام توحید و اینکه یگانه هدف خلقت انسان، قدم نهادن در آن راه است و... صحبت ها کرد، و من هم در دل می گفتم که اگر واقعاً حقیقتی

باشد و ما بدان نرسیده‌ایم که وای بر ما! اما باز هم شک داشتم که حقیقتی بدین معنا در کار است یا نه!

در این هنگام مار بزرگی از سوراخی بیرون آمد و جلوی ما خزید و به موازات دیوار شروع به حرکت کرد. زیرا در آن نواحی مار بسیار است. همینکه مار به مقابل ما رسید من فی الجمله وحشتی کردم. مرحوم قاضی رحمته اشاره‌ای به مار کرد و فرمود: مت باذن الله. بمیر به اذن خداوند. و مار فوراً در جای خود خشک شد!

مرحوم قاضی رحمته بدون آنکه اعتنایی کند شروع به ادامه حرفش کرد، و بالاخره برخاستیم و داخل مسجد شدیم.

ایشان دو رکعت نماز خواند و بعد وارد حجره خود شد و من هم به عبادت مشغول شدم. در بین اعمال ناگاه به خاطرم گذشت که آیا این کاری که کرد واقعیت داشت یا چشم‌بندی و سحر بود؟! خوب است بروم و ببینم آیا مار مرده است یا زنده شده و رفته!

با این افکار اعمالم را تمام کردم و به همان نقطه بازگشتم و دیدم مار خشک شده و روی زمین افتاده است! پا به آن زدم دیدم حرکتی ندارد! خیلی شرمنده و منقلب شدم و به مسجد بازگشتم و به ادامه اعمالم مشغول شدم و بعد از اتمام اعمال به مسجد سهله رفتم و در آنجا باز به مرحوم قاضی برخورد کردم. ایشان لبخندی زد و به من گفت: خوب آقا جان! امتحان هم کردی؟!!

## مداریار

قال المهدي عليه السلام: فَإِنَّا نَحِيطُ عِلْمًا بِأَنْبَاءِكُمْ وَ لَا يَعِزُّبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ.<sup>۱</sup>

امام عصر عليه السلام فرمود: ما آگاه بر اخبار شما هستیم و چیزی از امور شما از ما مخفی نیست.

او که نظارت دائمی بر تمامی امور ما دارد و «عین الله الناظرة» است، در بین ما حضور دارد، پیوسته ما را می بیند و ناظر بر اعمالمان می باشد. حال آیا ما چگونه باید باشیم؟!

یکی از سادات با بصیرت قم بنام سید مرتضی حسینی نقل کرد که شب پنج شنبه ای در زمستان که هوا بسیار سرد بود و برف زیادی روی زمین بود؛ ناگاه به خاطر آمد که شیخ محمد تقی بافقی رحمته الله وقت رفتنش به مسجد جمکران است! با خود گفتم ای کاش امشب برنامه را تعطیل می کرد و به جمکران نمی رفت!

خیلی دلم شور می زد. بالاخره طاقت نیاوردم و به منزلش رفتم، اما در خانه نبود، سراسیمه بسوی جمکران رفتم. مغازه ای نانوائی سر راه بود. نانوا که مرا دید، گفت: چرا مضطربی؟ گفتم: نگران شیخ هستم! گفت: ساعت ها پیش از این وقت او را دیدم که از همین مسیر می رفت، و قطعاً به او نمی رسی و الآن باید نزدیک جمکران باشد!

به خانه برگشتم و بیشتر مضطرب شدم. مشغول دعا و نیایش شدم و تا

۱. احتجاج طبرسی: ۲/۳۲۲.

صبح خوابم نبرد. نزدیک صبح پلکهایم روی هم رفت. مولایم حضرت ولی عصر علیه السلام را دیدم. به من فرمود: مرتضی! چرا مضطربی؟ گمان می کنی من از حال شیخ بی خبرم! الآن در مسجد جمکران بودم و وسایل استراحت او را فراهم کردم و برگشتم!!

جمال یار ندارد حجاب و پرده ولی

غبار ره بنشان تا نظر توانی کرد

دلا ز نور هدایت گر آگهی یابی

چو شمع خنده زنان ترک سر توانی کرد<sup>۱</sup>

هر دستگاه و وسیله صنعتی زمانی درست کار می کند و فایده و خاصیت

تعریف شده اش را دارد که در مدار خاص خود در حرکت باشد، و چون از

مدار خارج شود بی تردید کار آبی خود را از دست می دهد و بی اثر و احیاناً

مضر می شود.

ما اگر بخواهیم در راستای اهداف خلقتی امان در حرکت کمالی

باشیم و بی اثر و یا منحرف و مضر نباشیم، حتماً باید در «مدار یار»

باقی بمانیم.

او خود فرمود: «فإننا صنایع ربنا والمخلوق بعد صنایعنا»<sup>۲</sup> یعنی ما اهل بیت

ساخته و پرداخته خداوند هستیم و سایر مردم پرداخته و تربیت شده ما

هستند.

ساخته خدا بر طبق میل و اراده خداوند حرکت می کند و ساخته

۲. احتجاج طبرسی: ۲ / ۳۷۷.

۱. حافظ.



و پرداخته امام عصر علیه السلام هم باید در مدار او حرکت کند تا ضایع نشود و با خروجش از مدار، بی خاصیت و یا مضر و منحرف نشود.

ملاک و معیار در مدار بودن، باقی ماندن در دایره انسانیت است و بس! زیرا این انسان است که بر مدار انسان کامل آفرینش می چرخد و بر وفق میل و رضایت او عمل می کند و از نفسانیات و هوس های حیوانی و امیال شیطانی و هر آنچه با منویات امام زمانش فاصله می گیرد؛ و در نتیجه در مسیر هدایت و سعادت باقی مانده و پیوسته به پیش می رود، تا بدانجا که قابلیت اتصال محض به قطب مدار هدایت و سربلندی و کرامت و کمال را بیابد، و با کسب سنخیت با حضرت غائب عجل الله تعالی فرجه الشریف و جلب رضایت کامل او، در عداد پیروان و یاران، و بلکه خواص و همراهانش مقرر گردد.

پس باید خواسته های او را یافت، و بر طبق میل و رضای او حرکت کرد؛ تا بتوان گفت که در پیروی و تبعیت از حکم و فرمان الهی موفق و سربلند است، همان فرمان سعادت بخش که: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین»<sup>۱</sup>.

با این توضیح که در حدیث آمده است که ائمه اطهار علیهم السلام تفسیر صحیح صادقین در این آیه اند.

### تجسم عینی

عارف عامل «سالک واصل» فیلسوف فقیه، زعیم عالیقدر شیخ الفقهاء  
والعرفا حضرت مستطاب آیه الله العظمی آقای حاج شیخ محمد تقی بهجت  
فومنی دامت برکاته

بدون تردید از چنین انسانهای وارسته و بلکه در ردیف سلسله داران  
و قله نشینان این گروه هستند.

ایشان در سال ۱۳۳۴ هجری قمری در شهر فومن از شهرهای استان  
گیلان دنیا آمد. پدرش کربلایی محمود بهجت از معتمدین و نیکان  
و اخیار بود و به جهت اعتماد مردم به وی، مورد مراجعه آنها در دعاوی  
و تایید اسناد و حل و فصل امور بود؛ بعلاوه که گاهی اشعار نغز و پرمعنایی  
نیز می سرود که گواهی بر ذوق سلیم و فطرت پاک و دل سوخته  
و شیدایی اش نسبت به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام بود.

حضرت آیه الله بهجت روحی فداه پس از اتمام تحصیلات ابتدایی  
و مکتب خانه‌ای و آموختن ادبیات عرب، به سال ۱۳۴۸ قمری به شهر  
مقدس قم هجرت کرد و بعد از توقیفی کوتاه، به عراق رفت و در شهر مقدس  
کربلا سکنی گزید و چهار سال با جدیت کامل به تحصیل علوم و نیز تهذیب  
نفس پرداخت.

در سال ۱۳۵۲ قمری به نجف اشرف منتقل شد و سالها از حوزه درسی  
اساتید بنام آن حوزه مقدسه مانند حاج آقا ضیاء عراقی، میرزای نائینی،  
حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی بهره‌های وافیه برد و به مدارج بلند  
علمی دست یافت.

استاد اخلاق و سلوک معنوی ایشان که بسیار بر روح و روانش تأثیر گذاشت، کسی نبود جز عارف بی بدیل و غواص دریای عرفان و توحید، حضرت آیه الله حاج میرزا علی قاضی رضوان الله تعالی علیه.

حضرت آیه الله العظمی آقای بهجت روحی فدا، به غیر از فقه و اصول، مدتها نیز به تحصیل علوم عقلی پرداخت و از محضر درس اساتید مطرح این وادی نیز بهره برد، از جمله آنکه اشارات ابن سینا و اسفار ملاصدرا و بعضی کتب دیگر را در محضر فیلسوف بنام آن عصر جناب سید حسین بادکوبه‌ای تعلیم دید، و در این زمینه نیز صاحب نظر شد.

ایشان به سال ۱۳۶۴ قمری به ایران بازگشت و پس از توقف کوتاهی در فومن که بیش از چند ماه طول نکشید، به شهر مقدس قم آمد و در محضر حضرات آیات عظام: حجت کوه کمره‌ای و حاج آقا حسین بروجردی به تکمیل معلومات خود پرداخت. اگر چه بعضی را عقیده بر آن است که شرکت ایشان در درس حوزه علمیه قم بیشتر جنبه تشریفاتی داشت، زیرا نامبرده اقیانوس علوم بزرگانی را در نجف غواصی کرده بود که بسیاری دیگر از هم ردیفانش محتاج خوشه چینی از خرمن معارف و مبانی فقهی و اصولی و فلسفی اش بودند!

حضرت آیه الله العظمی بهجت روحی فدا، قریب هفتاد سال است به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارند و شاگردان مطرح و بنام و خبره‌ای را تربیت کرده‌اند که هر یک ستاره‌ای درخشان در آسمان نورانی حوزه‌های علمیه هستند.

تربیت نفوس مستعد و تهذیب و تزکیه انسانهای آماده، تالیفات عمیق

و سنگین علمی، و رسیدگی به گرفتاران و درماندگان مادی و معنوی از دیگر خدمات ماندگار ایشان است.

عبادت‌های مثال زدنی نامبرده، نوافل و مستحبات، زیارت همه روزه، ذکر دائم، نماز توأم با اشک و آه و سوز و... آنچنان معروف خاص و عام است که نیازی به ذکر و بیان ندارد.

تواضع، فروتنی، شهرت‌گریزی، ساده زیستی، هواستیزی، و بی رغبتی به دنیا و زخارف آن از خصلت‌های ثابت و استوار ایشان است.

پرونده کرامات معنوی و کشف و شهود عرفانی و تصرفات ملکوتی وی نیز چنان اعجاب آور است که این مختصر را تحمل گشودن آن نیست. پس این سخن بگذار تا وقت دگر!!

خداوند منان عمر با برکت این فقیه کم نظیر را به درازی آفتاب عالم تاب، بلند و پر امتداد گرداند. ان شاء الله تعالی

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بهار ۱۳۸۴

سید مهدی شمس‌الدین

## غیبت و دشواری‌های راه

قال علي عليه السلام

التاسع من ولدك يا حسين! هو القائم بالحق، المظهر للدين، والباسط للعدول... و لكن بعد غيبة و حيرة، فلا يثبت فيها على دينه الا المخلصون المباشرون لروح اليقين الذين اخذ الله عزوجل ميثاقهم بولايتنا، و كتب في قلوبهم الايمان و ايدهم بروح منه.

(معجم احاديث الامام المهدي عليه السلام، ج ٣، ص ٤٠٢)

حضرت امير عليه السلام فرمود: حسين جان! نهمين فرزند تو کسی است که به حق قیام می کند، دین حق را آشکار می سازد، عدالت را می گستراند... ولی بعد از غیبتی طولانی و حیرت زا که در آن دوران کسی ثابت قدم در دینش نمی ماند مگر انسانهای مخلص که یقین بر سراسر وجودشان حاکم است. همانها که خداوند بر میثاق ولایت ما از آنها تعهد گرفته است و ایمان را در قلبهایشان مستقر ساخته و از جانب خود هدایت و تأییدشان کرده است.

## چرا غائب؟

سبب غیبت امام زمان علیه السلام خود ما هستیم! وگرنه اگر ظاهر شود چه کسی او را می کشد؟ آیا جنّ آن حضرت را می کشد؟ یا قاتل او انسان است؟! ما از پیش امتحان خود را پس داده ایم که چگونه از امام تحفظ و یا اطاعت می کنیم، و یا این که او را به قتل می رسانیم! انحطاط و پستی انسان به قدری است که قوم حضرت صالح علیه السلام ناقة صالح را با اینکه وسیله ارتزاق و نعمت آنها بود، پی کردند، چنان که قرآن کریم درباره آن می فرماید: «لَهَا شَرِب يَوْمَ مَعْلُومٍ»<sup>۱</sup> یعنی یک روز، آب سهم شما باشد و روز دیگر سهم آن، و روزی که آب چاه را می خورد در عوض به آنها شیر می داد!

بنابراین همان گونه که ممکن است عقلاء خزینه و انبار نعمت خود را نابود کنند، هم چنان که ناقة صالح را کشتند چون از کوه آمده بود، امکان دارد که ما انسان های عاقل! امام زمان علیه السلام را نیز که تمام خیرات از اوست و از ناقة صالح بالاتر و پرفیض تر است، برای اغراض شخصیّه خود به قتل برسانیم!<sup>۲</sup>

---

۱. شعراء: ۱۵۵.

۲. نکته های ناب: ۴۱.

### اشکال به امر غیبت

عجب از کسانی که قایل به امامت ائمه علیهم السلام نیستند، و با این حال می‌گویند: چرا شما شیعیان به امامت کسانی اعتقاد دارید که برای امر به معروف و نهی از منکر در میان شما حضور پیدا نمی‌کنند؟! می‌گوئیم: وقتی ائمه علیهم السلام در میان جمعیت بودند، سخنان و بیانات آنان در نزد امامان و پیشوایان سلف شما هیچ اعتباری نداشت!<sup>۱</sup>

### اثبات غیبت امام

حدیث ثقلین از ادله اثبات غیبت امام زمان علیه السلام است! زیرا در آن حدیث می‌فرماید: «إنهما لن یفترقا» یعنی: قرآن و عترت از هم جدا نمی‌شوند. یعنی، چه حاضر باشند یا غایب!

اگر کسی این حدیث را تحقیق و معنای آن را تحصیل کند، مسأله غیبت خیلی برای او واضح خواهد بود؛ زیرا در غیر این صورت «لزم الانفکاک بین القرآن و العتره»! یعنی لازمه آن، جدایی بین قرآن و عترت خواهد بود.<sup>۲</sup>

### مصیبت فقد امام

منظور از مصیبت در دین - که می‌گوییم: لا تجعل مصیبتنا فی دیننا - همین مصیبتی است که به آن مبتلا هستیم! یعنی فقد امام علیه السلام.  
چه مصیبتی از این بزرگ‌تر؟

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۱ / ۷۹. ۲. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۱ / ۶۹.



## غیبت و دشواری‌های راه ص ۳۷

خدا می‌داند که به واسطه آن - فقدان - چه محرومیت‌ها داریم!  
خصوصاً این که مصیبت در دین مستلزم مصایب دنیویه است، و لا عکس!<sup>۱</sup>

### دشواری راه امام

اگر ما همانند حضرت مهدی علیه السلام به اندازه توان خود در هدایت مردم تلاش و کوشش کنیم، آیا امکان دارد که مورد عنایت «عین الله الناظره» - چشم بینای خدا - امام زمان علیه السلام نباشیم؟! اگر در راه آن حضرت باشیم، چنانچه به ما بد و ناسزا هم بگویند و یا سخریه نمایند، نباید ناراحت شویم، بلکه همچنان باید در راه حق ثابت قدم و استوار باشیم و در ناملازمات صبر و استقامت داشته باشیم.<sup>۲</sup>

### صبر و تحمل امام عصر علیه السلام

با کمال دوستی ما نسبت به امام زمان علیه السلام ظهور او نه به حرف بنده است و نه به حرف شما!

به حضرت امیر علیه السلام هم پیشنهاد کردند: با معاویه بساز!  
اگر بنا باشد به حرف آنها گوش کند، از همان اول گوش می‌کرد!  
به ایشان گفتند: با او بسازید، بعد که حکومت شما مستقر شد با او بجنگید ولی حضرت به حرف آنها گوش نکرد.

خدا چه صبری داده به حضرت غائب علیه السلام که هزار سال است می‌بیند بر

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۲/ ۲۱۷. ۲. نکته‌های ناب / ۴۳.

سر مسلمان‌ها چه بلاهایی می‌آید، و چه بلاهایی خود مسلمان‌ها بر سر هم می‌آورند! و همه را تحمل می‌کند!<sup>۱</sup>

### خانه نشینی امام عصر علیه السلام

عرق ایمانی ما کجا و منزلت ایمان امام زمان علیه السلام کجا! اگر ما در نزد او کافر به حساب نیائیم!!  
چرا دستش را بسته‌ایم و خانه نشین کرده‌ایم؟ و اجازه نمی‌دهیم خود را نشان دهد؟!  
آن آقا گفت: چرا برای تعجیل فرج دعا می‌کنید؟ آیا می‌خواهید بیاید و او را هم بکشید؟! برای اینکه مزاحم خط و مرام و حکومت و حاکمیت شما خواهد بود! آنان که سایر ائمه علیهم السلام را کشتند، دیوانه که نبودند! بلکه سبب آن بی‌دینی بود! آیا الآن دیگر آن طور نیست؟!  
مشایخ اسلام گفتند: تعیین خلیفه لازم نیست! یعنی نعوذ بالله رسول خدا صلی الله علیه و آله بی خود می‌گوید! و با این وسیله دهانش را بستند و نگذاشتند چیزی بگوید! بعد هم گفتند: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَضَىٰ وَلَمْ يَسْتَخْلَفْ»<sup>۲</sup>  
رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفت و خلیفه تعیین نکرد!<sup>۳</sup>

### نسب سفیانی

تازگی دیدم که در یکی از کتاب‌های عامّه نوشته است که نسب سفیانی

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۱/۱۲۳. ۲. کافی: ۸/۲۸.

۳. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۲/۲۰۵.

## غیبت و دشواری‌های راه **سجده** ۳۹

به واسطهٔ یزید و معاویه، به ابی سفیان نمی‌رسد، بلکه به واسطهٔ یکی از برادران معاویه، به ابی سفیان می‌رسد!

همچنین در آن کتاب آمده است: وقتی سفیانی می‌آید، هر کس که نام او محمد، علی، حسن، حسین، زینب و ام کلثوم است و نیز تعداد زیادی از زن‌های حامله را می‌کشد!<sup>۱</sup>

### فتنه سفیانی

آیا ما طاقتش را داریم که سفیانی در پنج جا مستولی شود و هر حسن و علی و... نام را بکشد، در حالی که آن‌ها می‌گویند: پدران ما اشتباه کردند و نام ما را حسن و علی گذاشتند! ما چه گناهی داریم؟! و این وضع هشت ماه طول بکشد!<sup>۲</sup>

### سفیانی هست

مرحوم مقدس مشهدی در عتبات از خدا خواسته بود که بفهمد آیا سفیانی هست یا خیر؟

در کاظمین در وسیلهٔ نقلیه، عربی که کنار او نشسته بود، وقت پیاده شدن به او فرمود: آری، سفیانی هست!

این داستان پیش از پنج، شش سال قبل واقع شده است.<sup>۳</sup>

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۱/ ۱۸۶. ۲. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۲/ ۴۲۱.

۳. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۲/ ۶۳.

### ماجرای سفیانی

امیدواریم این بیچارگی و ذلت و ابتلائات گوناگون شیعه خاتمه پیدا کند!  
در روایات فراوان آمده است که سفیانی چه فسادها و ستم‌ها می‌کند!  
روایت از حضرت امیر علیه السلام است.

در روایاتی که از طریق شیعه نقل شده، آمده است که حکومت سفیانی  
هشت ماه و اندی بیش طول نمی‌کشد؛ ولی در این مدت کوتاه، مواضع مهم  
را تصرف می‌کند و هر کس را که نام محمد و علی و حسن و حسین و عاتکه  
و امّ کلثوم دارند، می‌کشد! بعد عده‌ای به او می‌گویند: پدرهای ما گناهکار  
بوند که اسم ما را محمد و علی و... گذاشته‌اند! ما که تقصیر نداریم! آنگاه او  
دستور می‌دهد که فقط حسن و حسین نام را بکشند و بقیه را رها می‌کند!  
مرحوم حاجی نوری نقل می‌کند: سفیانی را نزد حضرت ولی عصر علیه السلام  
می‌آورند در حالی که عمامه‌اش را دور گردنش پیچیده‌اند! به حضرت  
می‌گوید: یا بن رسول الله! مرا نکش!

بنابر این نقل، اطرافیان می‌گویند: کسی که اینهمه اولاد رسول الله صلی الله علیه و آله را  
کشته، او را آزاد می‌کنید؟

در هر حال، آنقدر به حضرت فشار می‌آورند تا اینکه می‌فرماید:  
«شأنکم» یعنی هر کاری صلاح می‌دانید انجام دهید، خودتان می‌دانید  
اختیار با خودتان است، هر کاری می‌خواهید بکنید.

و بدین ترتیب گویا حضرت اجازه می‌دهند که او را بکشند.  
و سرانجام او را می‌کشند.<sup>۱</sup>

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۸۴/۲

### آزادی یا اسلام؟

زمانی که ایران خیلی شلوغ شده بود، منصور علناً در مجلس گفته بود: می‌خواهیم اسلام را از رسمیت بیندازیم. نمایندگان مجلس سربه‌زیر انداخته بودند؛ چون دیده بود آنها از سخن او استقبال نکردند، گفته بود: یعنی می‌گوییم آزادی باشد! اسلام یا غیر اسلام! چیزی نگذشت که ملعون کشته شد.

این‌گونه انسان‌ها تقریباً به ظالمین و ستمگران نشان دادند که امثال خود را در ظلم پیدا کردند، تا برسد به «ملت ظلماً و جوراً» نه اینکه از حرف زدن بیش از این عاجز بودند، بلکه مردم را موافق خود نمی‌دیدند؛ لذا با علی و اولادش علیهم‌السلام موافقت نکردند تا اینکه اوضاع این قدر خراب شد.<sup>۱</sup>

### کشتار قبل از ظهور!

بعضی خیال می‌کنند وقتی که حضرت ظهور می‌کند، کشتار واقع می‌شود! ولی چنین نیست، بلکه کشتار قبل از ظهور آن حضرت است. در روایتی آمده است: سفیانی صد و هفتاد هزار نفر را در فلان محله یا منطقه عراق می‌کُشد!<sup>۲</sup>

### تأخیر فرج!

آقایی در جریان کشف حجاب، برای نابودی پهلوی ختم گرفته بود.

---

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۱۰۱/۲. ۲. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۳۶۱/۱.

علمایی که از دنیا رفته بودند یکی پس از دیگری نزد او می‌آمدند و می‌گفتند: آقا! ادامه ندهید، فرج به تأخیر می‌افتد!!!  
تا اینکه دو نفر، شخص ثالثی را جهت شفاعت نزد آن آقا آورده بودند، و گویا زیر بغل او را گرفته و با خود آورده بودند؛ در حالی که در دنیا به نظر می‌رسید که آن دو نفر مقامشان بالاتر از شخص ثالثی بود که او را برای شفاعت آورده بودند! و ایشان در دنیا تحت الشعاع آن دو آقا بودند، ولی در آنجا قضیه به عکس بوده است.<sup>۱</sup>

### قیام نکنید!

اگر حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف هم بخواهد ظهور کند، تا می‌توانیم با او مخالف می‌کنیم!  
در روایت است که علمای کوفه برای آن حضرت نامه می‌نویسند که شما قیام نکنید! «نحن نكفيك المؤونة» ما عهده دار امور شما می‌شویم!<sup>۲</sup>

### تفسیر اولوالامر

با این که روایت «أفضل الأعمال، انتظار الفرج» یعنی بهترین اعمال، انتظار فرج است؛ به نقل عامه هم ثابت است، چگونه ممکن است حکومت و سیادت رؤسای کشورهای اسلامی، اولوالامر باشند؟!  
اگر چنین است، فرج، موجود و حاضر است! دیگر انتظار فرج برای چه؟

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۱ / ۳۴۷. ۲. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۲ / ۳۵۲.

آیا با وجود این همه فرج، باز هم فرج می‌خواهیم؟ پس انتظار الفرج یعنی چه؟<sup>۱</sup>

### فتنه آخرالزمان

خدا کند ولو با تقیّه کردن، از طریقهٔ اهل حق و اهل بیت علیهم‌السلام مخدول نشویم. گرفته شدن ایمان از اهل ایمان از کشته شدن آنها بدتر است. در روایت است که فتنه‌هایی بر اهل ایمان می‌آید «فتن کقطع اللیل المظلم» فتنه‌هایی همانند پاره‌های شب تاریک!

ما این همه ابتلاءات را می‌بینیم و می‌گویید آیا «فتن کقطع اللیل المظلم» راست است یا نه؟! و آیات نعوذ بالله - طریقهٔ حقهٔ اهل بیت علیهم‌السلام حق است یا با ظل؟! با این همه رخدادها که می‌بینیم و برای ما پیش‌بینی و پیشگویی کرده‌اند، باز شک و تردید داریم!<sup>۲</sup>

### شیرین‌کام با فرج امام

امسال سرما زیاد است. خدا کند رحمت باشد، و خداوند کام همهٔ شیعیان را با فرج حضرت غائب علیه‌السلام شیرین کند! شیرینی‌ها تفکّهات زاید بر ضرورت است، ولی شیرینی ظهور آن حضرت از اشدّ ضروریات است.

خدا می‌داند که چه بلاهایی بدتر از این در زمان غیبت آن حضرت بر

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۱ / ۶۱ - ۲. نکته‌های ناب / ۶۳.

سر مسلمانانها آمده و می آید! آلمان در مدت کوتاه، چهارده کشور اروپایی را شکست داد که بزرگترین آنها یونان بود و سقوط آن بیست و پنج روز طول کشید!

بنابراین، ممالک اسلامی در نزد آنها، هر کدام یک لقمه است! ولی پیشرفت به سرعت، لازمه اش غفلت از دشمن پشت سر است، که خداوند هر کدام از قدرت های شرق و غرب را معذب و رقیب دشمن مقابل خود قرار داده است، و ظاهر این است که تا قیام حضرت حجت عجل الله فرجه اسم اسلام باقی است:

«لا یبقی من الاسلام الا اسمُه» از اسلام به جز نام آن باقی نمی ماند.<sup>۱</sup>

### سوختن و ساختن!

در زمان رضا خان پهلوی، نزد آقای در تهران رفتند که ایشان به قم بروند و از آقا شیخ عبدالکریم حایری رحمته الله علیه ظاهراً در مسئله کشف حجاب سؤال کنند که تکلیف چیست.

رفته بود و پرسیده بود. ایشان روز اول فرموده بود که باید مردم در برابر آن استقامت کنند تا کشته شوند!

ولی روز دوم برای تأکید امر، دوباره از ایشان سؤال شده بود، فرمودند: به من مربوط نیست! این مصیبت بزرگی است برای اهل ایمان و شیعیان که در زمان غیبت کشته شوند ولی نجات نباشد! لذا باید بسوزند و بسازند!<sup>۲</sup>

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۱۸/۲. ۲. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۲۹۸/۲.



### وضعیت دوران غیبت

اگر دو گروه در برابر هم قرار گرفته و با یکدیگر در حال جنگ باشند، و یک فرد از این دو گروه را پیدا می‌کرد و رئیس گروه دیگر را می‌ربود، گروه بی‌رئیس یکی از دو راه را دارند: یا باید تسلیم شوند و یا بدون رهبر با دشمن مخالف بجنگند.

حال ما مسلمانان با کفار تقریباً همین طور است. مسلمانان زعیمی ندارند که در زیر لوا و پرچم او قرار گیرند؛ زیرا سنی‌ها که اصلاً قایل به زعیم و امام نیستند، و شیعه هر چند اعتقاد به امام علیه السلام دارد ولی در عمل و وضعیات مانند سنی‌ها هستند و با آنها فرقی ندارند.

بنابراین آیا حال که همه مسلمانان چه شیعه و چه سنی اعتقاداً یا عملاً زعیم ندارند، نباید در کنار هم بنشینند و چاره اندیشی کنند؟! آیا نباید محافظت و مواظبت کنیم؟ آیا نباید بنشینیم و راه محافظه را پیدا کنیم که چگونه از دست دشمن در امان باشیم تا دین و دنیا و مذهب ما محفوظ بماند؟

از جمله راههای محافظت و مواظبت این است که اولاً فریب کفار را نخوریم؛ ثانیاً آن چه را که به ما هدیه می‌دهند - تا مجذوب آنها شویم و از این راه بر ما مسلمانان و منافع ماسلط شوند و بر ما ظلم و ستم کنند - قبول نکنیم. اقرب طوایف به حق و واقعیت از میان ادیان آسمانی، مسلمانان هستند و احق از همه فرقه‌های مختلف مسلمانان، طایفه شیعه است که مخدول و ذلیل و اِماء و عبید و کفار هستند.<sup>۱</sup>

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۸۸ / ۱

## آزمون غیبت

در زمان سابق، وقتی در اوقات زیارتی، اطراف حرم حضرت معصومه علیها السلام ازدحام می‌شد، و زنان حجاب را درست رعایت نمی‌کردند، آیه‌الله بروجردی رحمته الله می‌فرمود: مناسب نیست اهل علم بدون ضرورت، در میان جمعیت و ازدحام داخل شوند! خوب است ملاحظه کنند! امیدواریم خداوند برای یک مشت شیعهٔ مظلوم، صاحبشان را برساند؛ زیرا در عالم چنین سابقه نداشته و ندارد که رئیس و رهبری از مریدان و لشکرش این قدر غیبت طولانی داشته باشد.

چه باید گفت؟ معلوم نیست تا کی؟! در تمام امت‌های گذشته غیبت مقدر شده است، ولی در هیچ امتی چنین غیبتی با وقت نامعلوم و غیر مقدر اتفاق نیفتاده است.

ما مسلمان‌ها امتحان خود را با پیغمبر صلی الله علیه و آله و یازده امام علیهم السلام در زمان حضورشان پس داده‌ایم! اگر این یکی هم ظاهر می‌شد، لابد به قربانش می‌رفتیم!!

کسانی که در زمان ائمه علیهم السلام به بنی امیه و بنی عباس گرایش داشتند، مگر دیوانه بودند؟! آنها از میان دو راه: دین و دنیا، دنیا و ضد آخرت را انتخاب می‌کردند! و هنوز مناصب آنها بر ما عرضه نشده تا امتحان خود را پس بدهیم!

### قله‌های عرفانی در غیبت

مگر همه سلمان یا ابوذر می‌شوند که با تمام بلاها صبر کردند؟! و یا مثل عمار که حتی حاضر به کشته شدن گردید؟

در مقاماتی که آنان بدان رسیدند بسته شده است! تمام دنیا و مافیها ارزش نماز یک شب سلمان رحمة الله را ندارد! روی پوست گوسفندی می‌نشست و مصلاهی عجیب و غریب داشت!

در روایتی اثاثیه و لوازم منزلش را بر شمردند، یک پوست، یک کیسه آرد و... بود، ولی باز گریه می‌کرد که فردا بارش سنگین است!

سلمان چه مقامی داشت؟ و ضد او یعنی معاویه چه مقامی؟!

البته چه بسا از اینکه فرموده‌اند: «عبادت در غیبت افضل از عبادت در حال حضور است» بتوان استفاده کرد که مقامات بالاتری برای ماممکن است! مقصودم این است که اگر ما در زمان حضرت رسول ﷺ بودیم و می‌دیدیم که در اطراف آن حضرت، امثال سلمان هستند که دارای مقاماتی هستند، چقدر به آن مقامات عالیه تشویق می‌شدیم! ولی کسیکه آنها را نمی‌بیند از تحصیل آن معذور است، زیرا تردید برای او حاصل می‌شود که آیا اینگونه مقامات برای او حاصل می‌شود یا خیر؟!

اما ما نیز از کرامات علما، عجایب و غرایبی دیده‌ایم که نمی‌شود بیان کرد! و تعجب می‌کردیم که چرا دیگران می‌بینند و اسمش را هم نمی‌آورند! ولی نمی‌دانم چرا باز نسبت به تحصیل آن مقامات بی تفاوت هستیم؟! <sup>۱</sup>

٣

**وظيفة منتظران**

قال علي بن الحسين عليه السلام

من ثبت علي موالاتنا في غيبة قائمنا، اعطاه الله عزوجل  
اجر الف شهيد من شهداء بدر و احد.

(معجم احاديث الامام المهدي عليه السلام، ج ٣، ص ١٩٧).

امام سجاد عليه السلام فرمود: کسی که در زمان غیبت  
حضرت قائم بر ولایت ما ثابت قدم بماند، خداوند  
پاداش هزار شهیدی که در جنگ بدر و احد (در  
رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله) کشته شده باشند، به او  
عنایت می فرماید.

قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

سلوا الله من فضله، فان الله عزوجل يحب ان يسأل، و  
أفضل العباداة انتظار الفرج.

(معجم احاديث الامام المهدي عليه السلام، ج ١، ص ٢٦٨).

پیامبر بزرگوار فرمود: فضل و کرم الهی را  
درخواست کنید زیرا خداوند دوست می دارد  
بندگان را از او درخواست کنند. و بدانید که  
مهم ترین و با ارزش عبادت ها، منتظر فرج و ظهور  
بودن است.

### وظایف دوران غیبت

خدا کند راهی برای شرح صدر پیدا کنیم که به واسطه آن ریسمان تحیر قلبی امان بر طرف شود.

فرج ولو یک ساعت باشد، مرحله بعد از آن روشنایی است. روشنایی هم فرج ما است.

آیا هیچ فکر کرده‌ایم که راهی برای این مطلب پیدا کنیم؟

گویا ائمه علیهم‌السلام این مطلب را با ما اتمام حجت کرده‌اند، و لذا

فرموده‌اند: «برای فرج، بسیار دعا کنید». البته نه لقلقه زبان!

و نیز فرموده‌اند: «به راه و رسم نخستین عمل کنید».

یعنی در وقایع و رویدادهای تازه آنگونه که در گذشته عمل می‌کردید،

عمل کنید.

ائمه علیهم‌السلام به ما یاد دادند که به یقینات عمل کنیم، و هر کجا یقین

نداشتیم توقف و احتیاط نمائیم.<sup>۱</sup>

---

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۱ / ۲۳.

### دفتر امام عصر علیه السلام

خدا می‌داند در دفتر امام زمان علیه السلام جزو چه کسانی هستیم؟! کسی که اعمال بندگان در هر هفته دو روز (دو شنبه و پنجشنبه) به او عرضه می‌شود.

همین قدر می‌دانیم آن طوری که باید باشیم، نیستیم.<sup>۱</sup>

### آمادگی برای ظهور

اگر ظهور حضرت حجت علیه السلام نزدیک باشد، باید هر کس خود را برای آن روز مهیا سازد.

از جمله - راه‌های آمادگی - اینکه توبه کند. همین توبه باعث می‌شود که این همه بلاهایی که بر سر شیعه آمده است، که واقعاً بی سابقه است، و بلاهای دیگری که تا قبل از ظهور آن حضرت می‌آید، از سر شیعه رفع و دفع گردد.<sup>۲</sup>

### آیا منتظریم؟

ائمه ما علیهم السلام هزار سال پیش خبر داده‌اند که گرفتاری و ابتلاءات برای اهل ایمان به حدی خواهد بود که عدّه کثیری از آنان از ایمان خارج می‌گردند!

آیا خروج از ایمان، خروج از ابتلاءات را هم به دنبال دارد؟

---

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۲ / ۱۲۰. ۲. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۲ / ۱۰۹.

آیا ما از منتظرین امام زمان علیه السلام هستیم؟  
آیا ما هم می خواهیم امام زمان علیه السلام ظهور کند؟  
آیا ما به ظهورش راضی هستیم؟  
آیا آن حضرت از کارهای ما راضی است؟  
آیا آن حضرت راضی است که مالش را در مواردی صرف کنیم که گویا  
مال آن حضرت نیست؟!  
آیا آن حضرت راضی است که در ترویج مذاق او و پدرانش علیهم السلام تقصیر  
و کوتاهی نمائیم؟ یا آن را ترک کنیم؟!<sup>۱</sup>

### اعتقاد به امام

شبهه در وجود امام عصر علیه السلام و خلافت او از ناحیه کسانی است که  
اعتقاد به امامت پدر بزرگوارش حضرت امام حسن بن علی علیه السلام  
ندارند. کسانی که قائل به امامت امام عسکری علیه السلام هستند بر جانشینی فرزند  
عزیزش حضرت مهدی علیه السلام و زنده بودن او تا زمان ظهور معتقد می باشند.  
عمومات و روایات مشهوری که از ناحیه پدر بزرگوارش صادر شده،  
و نیز وصیت او به جانشینی فرزند عزیزش، امری ثابت و قطعی است و در  
اعتبار آنها تردیدی نیست.

به اضافه که وجود و بقاء او از ضروریات دینی است، زیرا مسلمین  
همگی معتقد به طول عمر برای عده ای هستند.

---

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۶۸ / ۲.



به علاوه که مشاهدات صالحین، اعم از علما و غیر آنها و تشرّفات در ماندگان و متوسلین به آن حضرت در شرق و غرب عالم به حد تواتر رسیده است بطوریکه انسان یقین به صدق آن پیدا می‌کند. و من بر چنین یقینی ضامن هستم!

به آنچه بیان شد این نکته را هم اضافه می‌کنم که در حدیث ثقلین - که متواتر بین سنی و شیعه است - از قول رسول بزرگوار اسلام ﷺ چنین نقل شده که: «واتهما لن یفترقا حتی یردا علیّ الحوض» یعنی قرآن و امام و عترت از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا روز قیامت.

پس در هر زمانی هر کس قرآن دارد باید امام هم داشته باشد، و اعتقاد به هر یک مساوی با اعتقاد به دیگری است.<sup>۱</sup>

### ایمان به حضرت!

انسان با خود کاری می‌کند که هیچ دشمنی با او نمی‌کند! و آن اینکه سرچشمه صلاح را تا روز قیامت خشک می‌کند!  
از این رو معلوم نیست که همه باطناً به حضرت حجت علیه السلام در وقت ظهور ایمان بیاورند! عده‌ای از روی اکراه ایمان می‌آورند.<sup>۲</sup>

### اعتقاد کامل!

چنانچه در اطاقی در بسته باشیم و بدانیم که قدرت بزرگی مثل آمریکا

۱. به سوی محبوب: ۶۰ / ۱.

۲. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۲ / ۲۲۲.

## وظيفة منتظران ۵۵

یا شوروی - سابق - پشت در ایستاده و سخنان ما علیه یا له خود را می شنود و ضبط می کند و به موقع علیه ما به اجرا می گذارد، چه قدر حال ما فرق می کند و مواظب سخنان خود می شویم! با اینکه آنها را نمی بینیم ولی علم داریم و می دانیم که پشت در هستند!

پس چرا حال ما نسبت به امام زمان علیه السلام چنین نیست در انجام آنچه بر له و علیه او است؟!

و هیچ با اهل تسنن که چنین اعتقادی ندارند فرق نداریم؟! <sup>۱</sup>

### احاطه کامل امام

بعضی ها خیال می کنند ائمه علیهم السلام نمی شنوند یا مثل مردهای ما هستند. یکی از سنی مذهب ها از جلوی سرداب مقدس سامراء رد می شد، شنید صدای یک نفر را که داخل سرداب بود و مرتب می گفت: یا صاحب الزمان!

آن عابر با لحن مسخره ای گفت: یا صاحب الزمان! یا صاحب الزمان! آنقدر بگو تا جوابت را بدهد!!

اینها نمی فهمند! حماقت محض دارند! ائمه علیهم السلام عین الله الناظره و اذنه الواعیه هستند. اگر حرفی زده شود حتی قبل از آنکه دیگران که در مجلس هستند، بشنوند آنها می شنوند. <sup>۲</sup>

---

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۲/۲۵۹. ۲. جلسه خصوصی (شنبه ۱۳۸۲/۷/۵).

### تبعیت محض

کسی که به خالق و مخلوق، متیقن و معتقد باشد، و با انبیاء و اوصیاء صلوات الله علیهم جمیعا مرتبط و معتقد باشد، و توسل اعتقادی و عملی به آنها داشته باشد، و مطابق دستور آنها حرکت و سکون نماید. و در عبادات، قلب را از غیر خدا خالی نماید و فارق القلب، نماز را که همه چیز تابع آن است انجام دهد، و با مشکوک‌ها تابع امام عصر علیه السلام باشد.

یعنی هر که را امام، مخالف خود می‌داند با او مخالف باشد، و هر که را موافق می‌داند با او موافق. و لعن نماید ملعون او را، و ترحم نماید بر مرحوم او، و لو علی سبیل الاجمال.

(چنین شخصی) هیچ کمالی را فاقد نخواهد بود و هیچ وزر و وبالی را واجد نخواهد بود.<sup>۱</sup>

### اشراف کامل امام عصر علیه السلام

امام زمان علیه السلام در زمان غیبت، احاطه کامل دارند و بر همه امور اشراف دارند و نیز فعالیت هم دارند.

برای میرزای بزرگ شیرازی پیغام‌ها و دستورات متعددی می‌فرستادند.

من جمله روزی حواله‌ای را شخصی آورد نزد میرزا و ایشان آن را

۱. به سوی محبوب: ۱ / ۳۸.

گرفت و خواند و پول کمی که به حساب امروز شاید دو دینار می شد به او داد و او رفت.

شخصی که آنجا حاضر بود، دید که پایین حواله، مهر و امضای امام زمان علیه السلام ثبت است! پرسید: حواله از طرف امام عصر است؟ فرمود: آری! گفت: پس چرا اینقدر کم به او پول دادید؟ با آنکه حواله را آقا فرستاده اند و باید بیشتر مرحمت می کردید؟ فرمود: شما همین یک حواله اشان را دیده اید و بقیه حواله ها را که ندیده اید!!<sup>۱</sup>

### راههای ارتباط

راههای ارتباط با خدا، طاعت خدا و طاعت امام زمان علیه السلام است؛ و تشخیص آن با تطبیق عمل به دفتر شرع است. یعنی رساله عملیه صحیحه.<sup>۲</sup>

### رابطه قوی با امام

باید بدانیم که علاج ما اصلاح نفس است در همه مراحل؛ و از این مستغنی نخواهیم بود، و بدون این، کار ما تمام نخواهد شد. با اعتراف به اینکه عمل از خودمان است که به سر ما آمده و می آید، تا خودمان را اصلاح نکنیم و با خدا ارتباط نداشته باشیم، با نمایندگان خدا ارتباط نداشته باشیم، کارمان درست نمی شود، امروز تا فردا، تا پس فردا، این که کار نشد!

۱. جلسه درس خارج فقه (چهارشنبه ۱۳۸۲/۷/۹).

۲. به سوی محبوب / ۶۲.

تا رابطه ما با ولی امر، امام زمان صلوات الله علیه قوی نشود، آیا کار ما درست می شود؟ بدون اصلاح نفس! آیا همین اینهایی که هستیم، آیا می شود تا خودمان را اصلاح نکنیم کار درست بشود؟!<sup>۱</sup>

### راه ایجاد و محبت و ارتباط

راه ایجاد ارتباط با اهل بیت علیهم السلام و مخصوصاً حضرت ولی عصر علیه السلام عبارت است از:

۱- معرفت خداوند متعال.

۲- اطاعت محض از پروردگار.

این دو موجب حبّ به خداوند و محبت نسبت به همه آنها که خدا آنان را دوست می دارد مثل انبیاء و اوصیاء می شود، مخصوصاً موجب علاقه و ارتباط با محمد و آل محمد علیهم السلام می شود که نزدیکترین آنها به ما، حضرت صاحب الامر علیه السلام است.<sup>۲</sup>

### چشم بینا و گوش شنوا

چیزی که باعث شرمندگی و خجالت زدگی ما می شود این است که حضرت همه چیز را می داند و همه چیز را می شنود، آنها «عین الله الناظرة، اذن الله السامعه - الواعیه» می باشند.

ما چکار کردیم برای قرب و نزدیک شدن به آنها؟ شما که طالب

۱. به سوی محبوب / ۱۰۴.

۲. به سوی محبوب: ۱ / ۶۱.

حضور و ظهورید، چرا کاری نمی‌کنید که همیشه خودتان را پیش آن حضرت ببینید؟! او ما را می‌بیند و ما او را نمی‌بینیم! پس چرا اینقدر دوریم؟<sup>۱</sup>

### نزدیکِ صاحبِ کار

در خلوت‌مان با خدا، در تضرع‌مان، توبه‌امان، نمازهایمان و عباداتمان، مخصوصاً دعای شریف «عظم البلاء و برح الخفاء» را بخوانیم، و از خدا بخواهیم برساند صاحب کار را!

با او باشیم، حالا اگر رساند که رساند، و اگر نرساند، دور نرویم از کنار او. از رضای او دور نرویم. او می‌بیند، او می‌داند حرفهایی که ما به همدیگر می‌زنیم!

او «عین الله الناظره و اذنه الواعیه» است و جلوتر از ماها می‌شنود حرف ما را! بلکه خودمان که حرف می‌زنیم این صدا از لب می‌آید به طرف گوش، فاصله‌ای دارد، او جلوتر از این فاصله، حرف خودمان را می‌شنود از خودمان، کلام خودمان را! آن وقت آیا ما می‌توانیم کاری بکنیم که او نفهمد؟ می‌توانیم کاری بکنیم که او نداند؟<sup>۲</sup>

### حفظ رابطه با امام

اگر بدانیم در محضر «عین الله الناظره» هستیم، آیا روی آن را داریم که

۱. از ورای سکوت / ۲۲۸.

۲. به سوی محبوب / ۱۰۹.

برای زیارت حضرت غائب علیه السلام اجازه بخواهیم؟ با اینکه با خواسته‌های واضح او مخالفت می‌کنیم! نماز و روزه را ترک، و غیبت و ایذاء می‌کنیم! آیا می‌خواهیم به ما بفرماید: «أبحت لكم المحرمات و أسقطت عنكم الواجبات»! حرام‌ها را برای شما حلال کردم و واجبات را از شما برداشتم.

مقصود این که چه می‌شد بواسطه بندگی خدا، روابط با آن آقا محفوظ می‌ماند؟

دیگران نگذاشتند! هر چند ما هم مقصّریم و نخواستیم اتصال میان ما و آن حضرت محفوظ باشد! وگرنه هر کس یک ارتباط و اطمینانی پیدا می‌کرد، و روزی می‌آمد و توبه می‌کرد و تابع او می‌شد، عاقبت به خیر می‌شد.<sup>۱</sup>

### لوازم انتظار

تنها انتظار فرج کافی نیست! تهیاً، بلکه طاعت و بندگی نیز لازم است. مخصوصاً با توجه به قضایایی که پیش از ظهور امام زمان علیه السلام واقع می‌شود، به حدی که «ملئت ظلماً و جوراً»<sup>۲</sup> یعنی جهان پر از ظلم و جور است. خدا می‌داند که به واسطه ضعف ایمان بر سر افراد چه می‌آید! خدا کند ظهور آن حضرت با عافیت مطلقه برای اهل ایمان باشد، و زود تحقق پیدا کند.

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۱/۳۰۵. ۲. بحارالانوار: ۲۶/۲۲۶.

## وظیفه منتظران و ۶۱

مگر امکان دارد عافیت مطلقه بدون ایمان و طاعت و بندگی انجام گیرد؟!

خدا به اهل ایمان توفیق دهد که از فتن مضله کناره گیری کنند.<sup>۱</sup>

### شیوه تقیه

رواج و بقای مذهب شیعه امامیه با تقیه انجام پذیرفته است. آیا با این حال می توان تقیه را از دین ندانست و آن را از دین جدا ساخت؟! از حسین بن روح علیه السلام در مجلسی عمومی که شیعه و سنی حضور داشتند، درباره جانشینی حضرت رسول صلی الله علیه و آله سؤال می کنند، در جواب می فرماید: «الصحيح عندنا انّ الخليفة بعد رسول الله، ابوبكر»! یعنی به نظر ما صحیح آنست که ابوبکر خلیفه بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله است! بعد از این سخن، عامه درباره او گفتند:

«الی کم یکذبون علی هذا الشیخ»؟ یعنی تا کی بر این شیخ دروغ می بندند؟! نایب خاص امام علیه السلام کارش این بود و تقیه می کرد. چنان که بعد از امام حسین علیه السلام نیز هیچ کدام از ائمه علیهم السلام خیال خروج را نمی کردند؛ و حتی امام هادی و امام عسکری علیهم السلام هم زندان رفتند.<sup>۲</sup>

### لازمه انتظار!

قرآن کتابی است که تمام نور است، و هادی به سوی امام علیه السلام. امکان

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۱/ ۱۱۹. ۲. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۱/ ۹۰.



ندارد حجت در میان ما نباشد و مردم بدون امام علیه السلام باشند. اگر به آن چه در دسترس ما است عمل کنیم، انتظار فرج جا دارد.

انتظار فرج امام زمان علیه السلام با اذیت دوستان آن حضرت سازگار نیست. دوستان آن حضرت از هر دو طرف در این جنگ، چند سال است که از بین می‌روند و او می‌بیند و متأثر می‌شود، ولی به حسب ظاهر دستش بسته است و نمی‌تواند کاری بکند!

اما چقدر حضرت مهربان است به کسانی که اسمش را می‌برند و صدایش می‌زنند و از او استغاثه می‌کنند! از پدر هم به آنها مهربان‌تر است.

اگر ما غافل شویم و دعا و تضرع نکنیم، و همه این بلاها را ندیده بگیریم و کالعدم حساب کنیم! یا آنها را باید مسلمان به حساب نیاوریم و یا خود را! و اگر به آنها ترحم نکنیم، کسی به ما ترحم نخواهد کرد.<sup>۱</sup>

### دوست امیر

ما امام زمان علیه السلام را دوست می‌داریم، چون امیر نحل است؛ امور ما مطلقاً به وسیله او به ما می‌رسد؛ و او را پیغمبر صلی الله علیه و آله برای ما امیر قرار داده است.

و پیغمبر را دوست داریم، چون خدا او را واسطه بین ما و خود قرار داده.

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۳۶۶/۲.

## وظيفة منتظران ۶۳

و خدا را دوست داریم، برای اینکه منبع همه خیرات است و وجود ممکنات، فیض اوست.

پس اگر خود و کمال خود را خواهانیم، باید دوست خدا باشیم، و اگر دوست خدائیم باید دوست وسائط فیوضات از نبی و وصی باشیم؛ وگرنه یا دوست خود نیستیم و یا دوست و اهب العطا یا نیستیم، یا دوست وسائط فیوضات نیستیم.<sup>۱</sup>

### رضایت امام عصر

اگر به قطعیات و یقینیات دین عمل کنیم، در وقت خواب و به هنگام محاسبه پی می‌بریم که از کدامیک از کارهایی که کردیم قطعاً حضرت امام زمان علیه السلام از ما راضی است و از چه کارهایمان قطعاً ناراضی است! اگر کسی به قطعیات مذهب عمل کند نه به ظنیات تقلید - جز در موارد ضرورت - و عمل به احتیاط در صورتی که میسور باشد؛ اگر به فرض، بعداً معلوم شود که مرجع تقلید او اهلیت تقلید را نداشته، باز پشیمانی ندارد، گویا در این صورت به فتوای همه مراجع عمل کرده است.<sup>۲</sup>

### کسب رضایت امام عصر علیه السلام

در امور اجتماعی نباید به دیگران نگاه کنیم و از این و آن پیروی کنیم، زیرا افراد معصوم نیستند، هر چند بزرگ و بزرگوار باشند! بلکه باید نگاه

۱. به سوی محبوب / ۲۴.

۲. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۲ / ۲۵۰.

کنیم و ببینیم اگر خودمان تنها بودیم و دیگران نبودند آیا انجام می‌دادیم یا خیر؟

نباید به دیگران کار داشته باشیم. ما نباید خود را با اهل سنت قیاس کنیم. بلکه باید رضا و میل امام زمان علیه السلام را در کارها به دست آوریم، چه در مصرف سهم امام علیه السلام و چه در کارهای اجتماعی دیگر.<sup>۱</sup>

### در راه امام

بعضی از حیوانات مانند زنبور عسل و حیوانات شیرده به مردم منفعت می‌رسانند. انسان نیز ممکن است برای دین و مردم نافع باشد.

اگر ما نیز به اندازه‌ی توان خود در هدایت مردم تلاش و کوشش کنیم، آیا امکان دارد که مورد عنایت «عین الله الناظرة»<sup>۲</sup> و امام زمان علیه السلام نباشیم؟!

اگر در راه آن حضرت باشیم، چنانچه به ما بد و ناسزا هم بگویند و یا سخریه نمایند، نباید ناراحت شویم، بلکه همچنان باید در آن راه حق و حقیقت ثابت قدم و استوار بوده، و در ناملایمات صبر و استقامت داشته باشیم.<sup>۳</sup>

### نارضایتی امام زمان علیه السلام

وای بر کسی که حضرت حجت علیه السلام بداند که او در تحصیل موافقت

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۱/ ۱۰۱. ۲. بحار الانوار: ۱۶ / ۲۴۰.

۳. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۱ / ۱۰۳.

و رضای آن حضرت، و یا در مخالفت آن حضرت بی‌اعتنا و لاابالی است! در امور مالی به مردم بگوید که دست من دست او است و نماینده او هستم، و در کارهای دیگر چنین نباشد!

خدا نکند ما اینگونه باشیم! خصوصاً این که میل داریم در آخر زندگی و دم مرگ به داد ما برسند، و به شفاعتش بلاهای ما رفع شود. آیا می‌شود از اول کار از او جدا باشیم و در آخر کار تمایل داشته باشیم از ما دستگیری کند؟!؟

آقای طبیبی در نزدیکی وفاتش، به همه انوار معصومین علیهم‌السلام سلام کرد و تعظیم نمود ولی هیچ کدام از حضار کسی را نمی‌دیدند! آن بزرگواران که در وقتش به آنها احتیاج داریم، نباید کاری کنیم که دم آخر بگویند: ما این شخص را نمی‌شناسیم!

تفاوت مراتب ایمان و تقوا و یقین ما و علمای گذشته بسیار است! صد سال فاصله بین ما و آنها مانند هزار سال است! دعا کردن و زود مستجاب شدن برای آنها اصلاً چیز عادی بوده! ولی حالا اگر کسی بگوید دعا کردم و مستجاب شد، خیلی نادر است!

نقل کردند که آقای - که فاصله وفاتش با وفات حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمته‌الله یک هفته بود - در مشهد بود و خانواده‌اش در عراق بودند، به حرم امام رضا علیه‌السلام مشرف شد و عرض کرد: خانواده‌ام!... بلافاصله شخصی از کنارش گذشت و مقداری پول به او داد، ولی او رو کرد و به حضرت عرض نمود: این نه مناسب کرم شما است! تا این که مقدار دیگری به او می‌رسید. باز گفت: کم است!

پس از جریان کسی از علمای مشهد در صحن به او می‌رسد و می‌گوید:  
معلوم می‌شود معامله شما با حضرت خوب است! همان اندازه که  
می‌خواستہ از جیبش در می‌آورد و به او می‌دهد.<sup>۱</sup>

### غفلت از امام حاضر

هر کس باید به فکر خود باشد و راهی برای ارتباط با حضرت  
حجت علیه السلام و فرج شخصی خویش پیدا کند، خواه ظهور و فرج آن حضرت  
دور باشد، یا نزدیک!

عده‌ای بوده‌اند که گویا حضرت غائب علیه السلام در پیش آنها حاضر و ظاهر  
بوده است، مثل اینکه با بی سیم با آن حضرت ارتباط داشتند و جواب از  
ناحیه او می‌شنیدند!

مرحوم مقدس اردبیلی و سید بحر العلوم علیهما السلام که احتمال دروغ درباره  
آنها نمی‌رود، عبارت «فعليه لعنة الله» یعنی (لعنت خدا بر او باد) را قبول  
ندارند و می‌گویند: آن مربوط به باییت و ادعای مهدویت است.

با اینکه ارتباط و وصل با آن حضرت و فرج شخصی، امری اختیاری ما  
است؛ به خلاف ظهور فرج عمومی. با این حال چرا به این اهمیت نمی‌دهیم  
که چگونه با آن حضرت ارتباط برقرار کنیم و از این مطلب غافل هستیم،  
ولی به ظهور و دیدار عمومی آن حضرت اهمیت می‌دهیم! و حال اینکه اگر  
برای فرج شخصی به اصلاح خود پردازیم، بیم آن است که در ظهور آن

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۱/۱۰۱.

حضرت از او فرار کنیم! چون راهی که می‌رویم راه کسانی است که اهم و مهمی قائل نیستند.

کار آفتاب اضائه است هر چند پشت ابر باشد. حضرت صاحب علیه السلام هم همینطور است، هر چند در پس پرده غیبت باشد!

چنان که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده است: چشم ما نمی‌بیند ولی عده‌ای بوده و هستند که می‌بینند! و یا اگر نمی‌بینند، ارتباطی با آن حضرت دارند!

یک نفر زیدی مذهب گفت: «کل امام لایری شخصه لا یسوی خردلة» یعنی هر امامی که جسم او دیده نشود، به اندازه یک خردل ارزش ندارد! یک شخص سنی هم در جواب او گفت: شیعیان دوازده امامی می‌گویند که امام، غائب است، ولی تو که زیدی هم هستی می‌گویی امامی را که نتوان دید، به اندازه یک خردل نمی‌ارزد! پس هر دوی شما بر باطلید!! دیدیم کسانی را که مثل اینکه با حضرت مخابره داشتند! هر چند می‌گفتند و می‌خواستند، همان می‌شد!

آن آقا در بیابان، سه مرتبه گفت: یا امام زمان! وسیله‌ای بفرست. فوراً وسیله و مرکبی برای سوار شدن ظاهر شد!

آری، آن حضرت این قدر به ما نزدیک و از حال ما با خبر است، ولی ما نمی‌بینیم و از او غافل و بی‌خبریم و می‌پنداریم که دوریم! حیف که ما قدر دان نعمت ولایت نیستیم!

### لازم نیست حضرت بیاید!

در هر حال باید برای تعجیل در امر فرج و رفع نگرانی‌ها و گرفتاریها و نجات و اصلاح حال مؤمنین، بگوییم:

«اللّٰهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْغَمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بظهوره»

خداوندا، با ظهور حضرت حجت علیه السلام این ناراحتی را از این امت برطرف نما. زیرا واقعاً از ظلم و ستم و بلا و فشاری که بر سر اسلام و مسلمین به خصوص اهل ایمان وارد می‌آید، کارد به استخوان رسیده است.

بسیار شنیده شده است - نه در یک مورد و دو مورد - که عده‌ای می‌گویند: تا دیگران رئیس و مرجع بودند، حضرت نیامد، حال که ریاست و زعامت به دست ما رسیده می‌خواهد ظاهر گردد و ظهور کند!؟!

سخن اینها نظیر گفتار کسانی است که در روایت دارد وقت ظهور حضرت غائب علیه السلام برای آن حضرت پیام می‌فرستند:

«انا كفييناك المؤمنة»

ما عهده دار کارها و زحمات هستیم لازم نیست شما تشریف بیاورید و دخالت کنید!

### جفا با امام

قرآن چه موجودی است که در مراتب مختلفه نزول، حکایت از شنیدنی‌ها و دیدنی‌ها می‌کند.

عدیل قرآن (یعنی عترت) هم حکایت از نعمت‌های عالم می‌کند، ولی ما از غمخوار، هادی، حامی و ناصرهای خود قدردانی و شکرگزاری نمی‌کنیم و واسطه خیر را پی می‌کنیم! فعقروها (پس ناقه را پی کردند).

ائمه علیهم‌السلام را که ولی نعمت‌های ما و مجاری فیض هستند، نمی‌توانیم مشاهده کنیم.

امام زمان علیه‌السلام هم اگر بیاید با او همان معامله را می‌کنیم که با آباء طاهرینش کردیم!

آیا می‌شود امام زمان علیه‌السلام چهارصد میلیون یاور داشته باشد و ظهور کند؟!<sup>۱</sup>

### دست امام را بستیم!

چه باید بکنیم در ابتلاءات داخلی و خارجی؟ چه باید بکنیم؟ چه کار کردیم که به این چیزها مبتلا می‌شویم؟ فکر این را باید بکنیم، آخر ما چکار کردیم که بی‌سرپرست ماندیم؟

اشکال در این است که خودمان را اصلاح نمی‌کنیم و نکردیم و نخواهیم کرد! حاضر نیستیم خودمان را اصلاح کنیم!

حضرت نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «ألا أخبركم بدائكم و دوائكم؟ دوائكم الذنوب و دوائكم الاستغفار»<sup>۲</sup>

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۱۲/۱. ۲. کنز العمال: ۴۷۹/۱.



(یعنی آیا شما را به درد و درمانتان خبر ندهم؟ درد شما، گناهان و درمانتان، استغفار است).

ما می خواهیم هر چه دلمان می خواهد بکنیم، اما دیگران حق ندارند به ما اسائه ای بکنند! ما خودمان به نزدیکانمان، دوستانمان، هر چه بکنیم، بکنیم! اما دیگران، دشمنان، حق ندارند به ما اسائه ای بکنند!

آخر ما اگر خودمان را درست بکنیم، خدا کافی است، خدا هادی است. ما خودمان را نمی خواهیم درست بکنیم، اما از کسی هم نمی خواهیم آزار ببینیم. آنهایی که طبعشان آزار است، کار خودشان را می کنند، مگر اینکه یک کافی و یک حافظ جلوگیری بکند.

ما اگر خودمان به راه بودیم، در راه می رفتیم، چه کسی امیرالمؤمنین علیه السلام را می کشت؟ چه کسی حسین بن علی علیه السلام را می کشت؟

چه کسی همین (امام زمان علیه السلام) را که حالا هست، هزار سال است او را معلول الیدین (و دست بسته) کرد؟

ما خودمان حاضر نیستیم خودمان را اصلاح بکنیم. اگر خودمان را اصلاح بکنیم، به تدریج همه بشر اصلاح می شوند.<sup>۱</sup>

### عين الله الناظرة

ممکن است انسان در هدایت مردم به اندازه توانایی، مانند حضرت مهدی علیه السلام باشد و مورد عنایت و نظر او که «عين الناظرة» - یعنی چشم بینای

۱. به سوی محبوب: ۱۰۱-۱۰۲

## وظیفه منتظران ۷۱

خداوند است، نباشد! وای به حال کسی که چنین تشخیص بدهد که مراعات و معاونت ظالم و یا دفاع از ظلم برای او خیر است!!  
ای کاش «لئیس» بودن و هیچ بودن عالم امکان را درک می کردیم، و برای هیچ! این قدر ارزش و اعتبار قایل نمی شدیم، و بر سر هیچ این همه با هم نزاع نمی کردیم!<sup>۱</sup>

### تیراندازی به حضرت!

خدا پیامرزد مرحوم کوهستانی<sup>۲</sup> را. سنتی که او در مازندران ایجاد کرد، در جای دیگر نیست. با این که شهرهای مازندران به هم نزدیک است، با این حال در هر شهر یک مدرسه علوم دینی برای طلاب تأسیس کرد.

یکی از رفقای طلبه گفت: در زمان محمد رضا پهلوی از طرف دولت آمدند و جهی به ایشان بدهند، ولی ایشان قبول نکردند.

از آقای بروجردی رحمته هم - پول - قبول نکرد و گفت: اگر من اینها را قبول کنم، دیگر نمی توانم تذکراتی را که به علما می دهم، بدهم!  
خدا توفیق دهد به سوی امام رحمته تیر پرتاب نکنیم!<sup>۳</sup>

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۲ / ۲۵۳.

۲. در سال ۱۳۰۳ قمری در قریه کوسان (که امروز به کوهستان معروف است) بدنیا آمد. علوم مقدماتی را در بهشهر فرا گرفت. در سال ۱۳۴۰ قمری عازم نجف اشرف شد. بعد از ده سال اقامت در نجف به کوهستان مراجعت کرد. در سال ۱۳۹۲ قمری در سن ۸۴ سالگی رحلت کرد. عمرش را در زهد و تقوا و تربیت نفوس مستعد گذراند. ماجرای تشریف او به محضر حضرت ولی عصر ارواحنا فداه معروف است. ۳. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۱ / ۲۵۳.

### امضاء امام زمان علیه السلام

ما طلاب باید در این فکر باشیم که چگونه می‌توانیم یک امضاء و تأییدی از مولایمان حضرت ولی عصر علیه السلام بگیریم؟! یعنی چگونه درس بخوانیم و چگونه رفتار کنیم که مولایمان ما را امضاء و تأیید کند؟!

یک طلبه، همیشه چه در اوان تحصیل و چه بعد از فراغ از تحصیل باید هم و غمش و فکرش این باشد که رفتارم، کردارم و گفتارم چگونه باشد که آقا مرا تأیید کند.

اگر طلبه‌ای همیشه به این فکر باشد و در این مسیر حرکت کند که امضای آقا را بگیرد، دچار هیچ انحرافی نخواهد شد، نه در کردارش و نه در گفتارش و نه در رفتارش، و خلاف زی و شأن از او سر نمی‌زند و چنین طلبه‌ای هرگز دچار سردرگمی و بحران نخواهد شد.<sup>۱</sup>

### حضور نزد عارفان

از خدا می‌خواهیم توسط انبیاء و اوصیائش علیهم السلام و وصی حاضرش علیه السلام که در پیش عارفین حاضر است، که ما را از خدایی بودن و از خدائیان و از وسائط امداد خدا، منحرف نکند. بصیر و بینا بکند. خودشناس باشیم. خودی‌ها را بشناسیم. خدایی‌ها را بشناسیم. آنوقت، خلاف اینها هم شناخته می‌شوند.<sup>۲</sup>

۱. بهجت عارفان / ۲۰۲.

۲. فیضی از ورای سکوت / ۷۱.

### آثار دعای فرج

دعای فرج اگر موجب فرج عمومی نشود، برای دعاکننده موجب فرج خواهد بود. ان شاء الله.

چنانکه در برخی روایات آمده: دعا کنید که در آن فرج شماست.<sup>۱</sup>

### حزن امام عصر علیه السلام

آیا اکنون که یک مشت شیعه - که در میان آنها علما و زنان و کودکان که نه مقرّی دارند و نه مقرّی - گرفتارند، ما نباید با چشم گریان و دل شکسته از خدا بخواهیم که بلا را رفع کند؟!

آیا درست است که ما راحت بنشینیم و نظاره گر باشیم و برادران و خواهران ایمانی ما در دست ظالمان گرفتار باشند؟!

اگر ما امروز به آنها رحم ننمودیم و برای نجات آنها دعا نکردیم و فردا مثل این بلاها بر ما نازل شد، دیگران هم بر ما رحم و دعا نمی کنند.

رئیس و مولای ما حضرت ولی عصر علیه السلام محزون باشد و ما خوشحال باشیم؟!

او در اثر ابتلای دوستان، گریان باشد و ما خندان و خوشحال باشیم؟!

و در عین حال خود را تابع آن حضرت بدانیم؟!<sup>۲</sup>

### پناه اهل ایمان

اگر اهل ایمان، پناهگاه حقیقی خود - یعنی حضرت صاحب علیه السلام - را

۱. روزنه‌هایی از عالم غیب / ۵۵.

۲. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۲ / ۱۸۱.

بشناسند و به آن پناه ببرند، آیا امکان دارد که از آن ناحیه مورد عنایت واقع نشوند؟!<sup>۱</sup>

### توجه و توسل مؤثر

آنچه به عنوان ارث به ما رسیده، کتاب و عترت است و ما باید بیش از اینها از آنها استفاده کنیم.

برخی از مردم به مرحوم آقای شیخ حسنعلی تهرانی متوسل می شدند و نتیجه می گرفتند، ولی متوجه امام عصر علیه السلام نیستند!

ما باید به امام عصر علیه السلام بیش از اینها متوسل باشیم تا نتیجه بگیریم. مسلماً امام عصر علیه السلام از هر کسی بهتر می تواند مؤثر باشد.<sup>۲</sup>

### خشوع در نماز

برای آنکه در نماز، خشوع داشته باشیم در اول نماز، توسل حقیقی به امام زمان علیه السلام کردن است که عمل را با تمامیت مطلقه انجام بدهید.<sup>۳</sup>

### کمال انسان

کمال انسان در عبودیت است و عبودیت، ترک معصیت در اعتقاد و عمل است.

فرد کامل مرشد است که این در عصر، ولی عصر علیه السلام است.

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۲ / ۲۵۶. ۲. روزنه‌هایی از عالم غیب / ۵۵.

۳. به سوی محبوب / ۶۳.

## وظیفه منتظران ۷۵

و طریق رسیدن به ارشاد او، ادامهٔ توسلات معلومه است از قبیل زیارات مأثوره از روی صدق و با عدم تردید، و نمازهای آن حضرت علیه السلام و همهٔ تحیات به خدا و دوستان او.<sup>۱</sup>

### دعای همگانی

ابتلاءات شیعه، امروز بسیار زیاد است. امراض مختلف، سرطان، حوادث؛ باید در مشاهد مشرفه و مواقف مهمه برای رفع ابتلاءات شیعه دعا کرد و تضرع نمود.

مرحوم امام خمینی گفتند: «آقای سید عبدالهادی شیرازی برای معالجه به تهران آمدند و بعد به مشهد مقدس رفتند. من به دیدن ایشان رفتم. ایشان دید چشمش را از دست داده و به همهٔ اطرافیان خود متوسل می شد که برای من دعا کنید».

ابتلاءات شیعه امروز به مراتب بیشتر از ابتلاء مرحوم آقای سید عبدالهادی است. ما از همه باید بخواهیم که متوسل شوند و دعا کنند و تضرع نمایند، تا بلکه فرجی حاصل شود.<sup>۲</sup>

### اصلاح نفس رمز ارتباط

باید بدانیم که علاج ما در همهٔ مراحل - بطوریکه از آن مستغنی نخواهیم بود و بدون آن مشکل کار ما تمام نخواهد شد - اصلاح نفس است.

۱. به سوی محبوب / ۶۰.

۲. روزنه‌هایی از عالم غیب / ۵۵.

با اعتراف به اینکه تا خودمان را اصلاح نکنیم و با خدا و با نمایندگان خدا ارتباط نداشته باشیم، کارمان درست نمی‌شود؛ دیگر با امروز و فردا پس فردا انداختن، کار درست نمی‌شود.  
تا رابطه ما با ولی امر امام زمان علیه السلام قوی نشود کار ما درست نخواهد شد. و قوت رابطه ما با ولی امر علیه السلام هم در اصلاح نفس است.<sup>۱</sup>

### حضور دائم

ما باید حضرت امام زمان علیه السلام را حاضر فرض کنیم. هر جا می‌رود برویم، هر چه می‌کند بکنیم و هر چه را ترک می‌کند، ترک کنیم!  
و اگر ندانیم، احتیاط را که می‌دانیم و می‌توانیم!  
ولی گویا ما نمی‌خواهیم در راه رضای آن حضرت باشیم، نه اینکه رضای آن حضرت را نمی‌دانیم و نمی‌توانیم آن را تحصیل کنیم.<sup>۲</sup>

### حجابهای دیدار

کجا رفتند کسانی که صاحب الزمان علیه السلام ارتباط داشتند؟! ما خود را بیچاره کرده‌ایم که قطع ارتباط نموده‌ایم و گویا هیچ چیز نداریم! آیا آنها از ما فقیرتر بودند؟  
اگر بفرمایید: به آن حضرت دسترسی نداریم! جواب شما این است که چرا به انجام واجبات و ترک محرّمات ملتزم نیستید؟

۱. فیضی از ورای سکوت / ۶۵.

۲. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۲ / ۳۸۶.

## وظیفه منتظران علیهم السلام ۷۷

او به همین از ما راضی است، زیرا: «اورع الناس من توّرع عن المحرمات» یعنی پرهیزگارترین مردم، کسی است که از کارهای حرام پرهیزد. ترک واجبات و ارتکاب محرمات، حجاب و نقاب دیدار ما از آن حضرت است.<sup>۱</sup>

### مهم‌ترین دعای با اثر

دعای فرج امام زمان علیه السلام از مهم‌ترین دعاهاست. همه مشکلات مردم و حکومت‌ها از غیبت آن حضرت است. برای رفع مشکلات اجتماعی و حوائج مردم باید همانطوری دعا کرد که انسان برای رفع مشکل خودش دعا می‌کند. دعا اگر دعا باشد، تأثیر خواهد کرد.

سید بن طاووس به حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام رفت و در حق حاکم محل نفرین کرد. بعد فرمود: تا سه روز دیگر به هلاکت می‌رسد! و همینطور هم شد.

سید بن طاووس در کتاب اقبال، ادعای الهام می‌کند و مواردی را ذکر می‌نماید. او از کسانی است که فرموده در طول عمر معصیت نکرده است!<sup>۲</sup>

### دعا برای امام

حضرت غائب علیه السلام دارای بالاترین علوم است، واسم اعظم بیش از همه

---

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۱ / ۳۶۱. ۲. روزنه‌هایی از عالم غیب / ۳۶۳.



در نزد خود آن حضرت است. با این همه به هر کس که در خواب یا بیداری به حضورش مشرف شده، فرموده است: برای من دعا کنید!

در حالی که مرده را زنده می‌کند، خود در زندانی وسیع به سر می‌برد! اما در مورد خود حق ندارد، هر چند برای دیگران مخصوصاً در امور فردیه عنایت خاصی دارد، اما در امور اجتماعی که مربوط به خود آن حضرت است، خیر!

خدا کند ارتباط شیعه و اهل ایمان با امام زمان علیه السلام قوت بگیرد، تا در جای صبر، بتواند صبر و تحمل کند.

این حدیث از طریق عامه نیز وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود:

«أفضل أعمال امتی انتظار الفرج»

برترین اعمال امت من، انتظار فرج است.<sup>۱</sup>

### دعای فرج، دعا برای بشریت

اگر انسان راستی راستی برای مؤمنین و مؤمنات دعا کند و برای خودش دعا نکند، ملک برای او دعا می‌کند.

اگر کسی برای خودش دعا بکند، ممکن است به دلیل موانع و نبودن شرایط دعا، به اجابت نرسد، ولی اگر ملک دعا بکند در دعای او شرایط لحاظ نمی‌شود و موانع نیست و حتماً به استجابت می‌رسد.

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۲ / ۲۹۹.

دعا برای اهل ایمان و کسانی که در حکم اهل ایمان هستند، دعا برای قائد اعظم علیه السلام ولی مطلق و منجی عصر است، دعا برای ایشان، دعا برای همه بشریت است.<sup>۱</sup>

### دعای فرج، دوای دردها

دعای تعجیل فرج، دوای دردهای ما است.

در روایت است که در آخر الزمان همه هلاک می شوند، مگر کسانی که برای فرج دعا کنند: «الّا من دعا بالفرج».

ائمه علیهم السلام با این بیان، خیلی به اهل ایمان و شیعیان عنایت کرده اند تا خود را بشناسند.

علامت گذاری برای آنها است، یعنی اگر برای فرج دعا می کنید، علامت آن است که هنوز ایمانتان پابرجاست.

دستورهای عجیب و غریب دیگر هم داده اند، زیرا در آخر الزمان گرفتاری اهل ایمان خیلی سخت می شود، به حدی که در روایت آمده است: «بعد ما ملئت ظلماً و جوراً» یعنی بعد از آن که زمین از جور و ستم پر می شود.

شاید در روایت وارد شده باشد که: «ینکره اکثر من قال با ما مته» یعنی بیشتر کسانی که اعتقاد به امامت آن حضرت دارند، او را انکار می کنند!

هم چنین فرموده اند که در آخر الزمان، این دعای فرج را که دعای تثبیت در دین است، بخوانیم:

---

۱. فیضی از ورای سکوت ۸۳/۱

«یا الله یا رحمان یا رحیم، یا مقلب القلوب، ثبّت قلبی علی دینک»<sup>۱</sup> یعنی آن مرتبه‌ای از ایمان را که به من منت نهادی، حفظ کن؛ نه اینکه مسلمان باشد و به همان باقی باشد، چون این معنای تثبیت در دین نیست.

این توسلات، عزادرای‌ها، سوگواری‌ها و زیارت قبور اهل بیت علیهم‌السلام علامت آن است که اهل ایمان به آن‌ها اتصال و الصاق دارند و هنوز از آن‌ها منحرف نشده‌اند. لذا کفار و دست‌نشانده‌های آنها دستور داشتند که بین مسلمانان و قرآن، تا چه برسد به مساجد و تکایا و مجالس عزا و روضه خوانی، جدایی بیندازند، زیرا همه اینها ضد خواسته‌های سلاطین جور بود؛ لذا فرمان هدم قبور یا تعطیلی مجالس روضه خوانی را دادند.

روز هشتم ماه شوال که روز هدم قبور ائمه بقیع علیهم‌السلام است قاعدتاً روز تعطیلی حوزه‌های علمیّه نجف بود، ولی ما کم‌کم عادت کردیم و برای ما عادی شد!<sup>۲</sup>

### رفع گرفتاری با دعای فرج

در اوقات گرفتاری و شدت، خیلی باید دعای فرج خواند؛ زیرا دعای فرج، دعا برای فرج شخصی است! لذا در هنگام شدت باید به آن ملتزم شد. حضرت امام سجاد علیه‌السلام وقتی می‌خواستند پسر حسن بن علی علیه‌السلام داماد حضرت حسین بن علی علیه‌السلام را به دستور ولید پانصد تازیانه بزنند، به او فرمود:

۲. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۱ / ۳۶۳.

۱. بحار الانوار: ۵۲ / ۱۴۸.

پسر عمو! دعای فرج را فراموش نکن!  
ایشان عرض کرد: پسر عمو! دعای فرج چیست؟  
حضرت دعایی را به او تعلیم فرمود.  
حسن بن علی علیه السلام شروع کرد به خواندن آن دعا.  
کسیکه مأمور قتل او بود، از منبر بر زیر آمد و گفت: «أری سچیة مظلوم،  
أخروا أمره اراجع الامیر» یعنی سرشت شخص ستمدیده‌ای را می‌بینم! قتل او  
را به تأخیر بیندازید تا با امیر (ولید) در این باره مشورت کنم.  
تا اینکه به ولید نامه نوشت و او دستور داد که او را رها کنند.<sup>۱</sup>  
برای دفع بلا و شرّ، این دعا نیز نافع است:  
«اللهم صل علی محمد و آل محمد و أمسک عنا السوء» یعنی خداوندا،  
بر محمد و آل او درود فرست و بدی را از ما باز دار.<sup>۲</sup>

### تأثیر قطعی دعای فرج

مسلمان‌ها در دست کفار ذلیل هستند، و کفار با مال و ثروت خود  
مسلمین بر آنها مسلط هستند و بر آنها حکومت می‌کنند.  
آیا خوشحالی ما، با این همه ذلّت و خواری و اسارت و بردگی، غفلت  
و غرور نیست؟!  
گوسفندانی که حامی و ناصر و چوپان ندارند و در هر طرف، گرگ‌های  
درّنده به آنها حمله‌ور شده‌اند، چگونه باید باشد؟!

۲. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۱/ ۳۴۲.

۱. تهذیب: ۲/ ۲۹۴.

خدا می‌داند که چطور کفار می‌نشینند و برای ذلت و عبودیت و بردگی ممالک اسلامی نقشه می‌کشند!

چقدر باید در فکر حضرت غائب علیه السلام باشیم! و برای تعجیل در امر فرجش دعا کنیم؟! بطور یقین دعا در امر تعجیل فرج آن حضرت مؤثر است، اما نه لقلقة زبان! و «عجل فرجه» خشک و خالی و ورد همیشگی که در آخر منبر برای اینکه مردم از جا بلند شوند، گفته می‌شود!

دعای تعجیل فرج مثل نماز نافله، عمل مستحبی است، یعنی راستی و جدی و با هم و غم متأثر باشیم و از خدا بخواهیم تا فاصله هزار و چند ساله که بین مردم و واسطه فیض اتفاق افتاده است، برطرف شود و به پایان برسد. دعای با حال حزن و اندوه و تأثر قلبی از مردم واقع نمی‌شود؛ اگر می‌شد قطعاً رفع این طور نبود.

فرج، وقت معینی دارد که در آن وقت حضرت ظهور می‌کند.<sup>۱</sup>

### دعای فرج

بهترین کار برای به هلاک نیفتادن در آخرالزمان، فرج امام زمان علیه السلام است. البته دعای فرجی که در همه اعمال ما اثر بگذارد!<sup>۲</sup>

### دعا در حج

به حج که می‌روید اهم حاجات را از خدا بخواهید، و آن فرج حضرت

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۲ / ۳۲۴-۳۲۵.

۲. نکته‌های ناب / ۷۲.

ولی عصر علیه السلام است که فرج بشریت است. و بعد از آن ازاله حکومت‌های فاسد و جائر را بخواهید.<sup>۱</sup>

### شرایط و نتایج دعای فرج

چه مصائبی بر امام زمان علیه السلام که مالک همه کرة زمین است و تمام امور به دست او انجام می‌گردد، وارد می‌شود! و آن حضرت در چه حالی است و ما در چه حالی؟ او در زندان است و خوشی و راحتی ندارد، و ما چقدر از مطلب غافلیم و توجه نداریم!

کسانی که در خواب و بیداری تشرّف حاصل نموده‌اند، از آن حضرت شنیده‌اند که فرموده است: «برای تعجیل فرج من بسیار دعا کنید».

خدا می‌داند تعداد این دعاها باید چقدر باشد تا مصلحت ظهور فراهم آید! قطعاً اگر کسانی در دعا جدی و راستگو باشند و به هم و ناراحتی اهل بیت علیهم السلام مهموم، و به سرور آنها مستبشر باشند، مبصراتی خواهند داشت و قطعاً مثل ما چشم بسته نیستند.

باید دعا را با شرایط آن کرد. و توبه از گناهان از جمله شرایط دعا است، چنان که فرموده‌اند: «دعاء التائب مستجاب» یعنی دعای شخصی که توبه کند، مستجاب می‌گردد.

نه اینکه برای تعجیل فرج دعا کنیم و کارهایمان برای تبعید و تأجیل فرج آن حضرت باشد!<sup>۲</sup>

۱. روزنه‌هایی از عالم غیب / ۵۳.

۲. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۱ / ۱۱۸.

### دعای واقعی

قطعاً آنان که در دعا راستگو و مهموم به هم اهل بیت علیهم السلام و مستبشر به سرور آنان هستند، مبصرات و مشاهداتی دارند، و قطعاً دارند، و قطعاً مثل ما چشم بسته و نابینا نیستند.

خدا نکند که برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام دعا کنیم ولی کارهایمان برای تبعید فرج آن حضرت باشد!<sup>۱</sup>

### راهکار ظهور

راه خلاص از گرفتاری‌ها منحصر است به دعا کردن در خلوت برای فرج ولی عصر علیه السلام، نه دعای همیشگی و لقلقهٔ زبان و صرف گفتن «عجل فرجه»! بلکه - آنچه مهم است و کارساز - دعای با خلوص و صدق نیت و همراه توبه می‌باشد.<sup>۲</sup>

### دعای فرج

(منظور از دعای فرج در زمان غیبت) هر دعایی است که برای فرج و تعجیل آن باشد، نظیر دعای «اللهم عظم البلاء...»<sup>۳</sup>

### توبه و دعا برای ظهور

به خدا پناه می‌بریم از راهی برویم که شرطش پا گذاشتن بر روی حق باشد!

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۲ / ۲۳۰. ۲. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۲ / ۳۴۷.

۳. بحارالانوار: ۸۲ / ۲۰۶. ۴. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۲ / ۳۰۶.

به خدا پناه می‌بریم که از راهی برویم که نتوانیم برگردیم!  
خدا کند اگر دانستیم که نمی‌توانیم برویم و باید برگردیم، برگردیم! وگرنه  
خدا می‌داند که چقدر باید دروغ بگوییم و خطاهای خود را توجیه کنیم!  
امیدواریم این قضایایی که واقع می‌شود، نوید بخش نزدیکی فرج امام  
زمان علیه السلام باشد.

صاحب امر امام زمان علیه السلام خود بیش از ما از اینکه دو طایفه از  
مسلمانان به جان هم بیفتند متأثر است!  
تاریخ چنین چیزی را نشان نمی‌دهد! لذا این امر تقریب می‌کند که اینها  
متصل است به ظهور حضرت علیه السلام.<sup>۱</sup>

### دعاهای زمان غیبت

گفتند در حرم سیدالشهداء علیه السلام شیخی را دیدند که نزدیک سید جلیلی  
نشسته بود، و او درباره ظهور امام زمان علیه السلام سخن می‌گفت. شیخ هم با ذهن  
خالی و بدون توجه گفت: بعضی منکر هستند! ایشان فرمودند: بله، به خدا  
قسم خواهد آمد و از آنها انتقام خواهد گرفت.  
شیخ گفت: آیا من ظهورش را درک می‌کنم؟  
رگ‌های سید سرخ شد و گفت: «إِنْ عِشَكَ اللَّهُ» یعنی اگر خدا عمرت بدهد!  
این که در زمان غیبت به خواندن دعای «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسِكَ...» سفارش  
شده است، ظاهراً سرّی دارد!

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۲/۳۱۳.



همچنین سفارش شده است که این دعا نیز خوانده شود: «یا الله یا رحمان یا رحیم، یا مقلب القلوب، ثبت قلبی علی دینک»<sup>۱</sup> یعنی ای خدا، ای رحمت عام، ای مهربان، ای زیر و رو کننده دل‌ها، دلم را بر دینت استوار بدار!<sup>۲</sup>

### فایده دعای فرج برای منحرفان

خیال می‌کردیم که دعای تعجیل فرج، تعلیق به عدم شقاوت دعا کننده است! ولی چنین نیست، زیرا اگر حضرت غایب علیه السلام ظهور کند مگر انسان از شقاوت بیرون می‌آید؟!

ولی ظهور آن حضرت برای مؤمنین فرج و گشایش خواهد بود. وقتی انسان خودش در آب و گل فرو رفته باشد، اگر عالم را آب فرا بگیرد، آیا او نجات می‌یابد؟!

وقتی حضرت ظهور می‌کند، می‌پرسد: این کار آشکارا چرا انجام دادی؟

معلوم نیست از کارهای پنهان جستجو کند.<sup>۳</sup>

### طریق وصول

کمال انسان در عبودیت است. و سبب عبودیت، ترک معصیت در اعتقاد و عمل است. فرد کامل، رشد است و در این عصر (فرد کامل) ولی عصر علیه السلام است.

۲. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۱/ ۱۲۴.

۱. بحار الانوار: ۲/ ۱۴۸.

۳. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۱/ ۳۶۱.

## وظیفه منتظران علیهم السلام ۸۷

طریق رسیدن به ارشاد او، ادامهٔ توسلات معلومات از قبیل: زیارات  
مأثوره از روی صدق و با عدم تردید، و نمازهای آن حضرت علیه السلام و همهٔ  
تحیّبات به خدا و دوستان او.<sup>۱</sup>

### گریه در مقام

آقا سید احمد کربلایی در مسجد سهله و کوفه زیاد حضور می یافتند.  
شخصی اظهار کرد: آقا سید احمد کربلایی را دیدم در مقام حضرت  
مهدی علیه السلام تا صبح به عبادت و گریه و زاری می پرداخت.<sup>۲</sup>

### رابطه کامل با حضرت!

اطاعت و فرمانبرداری از خداوند بعد از شناخت او، موجب محبت به  
او می شود، و (نیز موجب) محبت کسانی می شود که خداوند آنها را دوست  
می دارد که عبارتند از انبیاء و اوصیاء، که محبوب ترین ایشان به خداوند،  
حضرت محمد و آل او علیهم السلام می باشند، و نزدیکترین ایشان به ما، حضرت  
صاحب العصر علیه السلام می باشد.<sup>۳</sup>

۲. روزنه‌هایی از عالم غیب / ۳۷۲.

۱. به سوی محبوب: ۱ / ۶۰.

۳. برگی از دفتر آفتاب / ۱۵۵.

۴

**عنایت ویژه**

قال الامام الصادق عليه السلام:

من عرف بهذا الامر ثم مات قبل ان يقوم القائم كان له  
اجر مثل من قتل معه.

(معجم احاديث الامام المهدي عليه السلام، ج ۳، ص ۴۰۲).

حضرت صادق عليه السلام فرمود: کسی که به امام غائب و  
آنچه مربوط به اوست معرفت و شناخت داشته  
باشد و قبل از ظهور و قیام او از دنیا برود، اجر و  
پاداشی به مانند کسی که در رکاب او شهید شده  
باشد، به او عطا می شود.

## توجه امام زمان به شیعیان

دکتری متدین و اهل ولایت و شیعه در صدد پیدا کردن یاران حضرت حجت علیه السلام بود، حتی می خواست اسامی آنها را بداند. روزی در مطب خود که در خانه اش قرار داشت تنها نشسته بود، شخصی وارد شد و سلام کرد و نشست و فرمود: حضرت آقا، یاران حضرت حجت عبارتند از... و شروع کرد به شمردن نامهای آنان و تندتند همه را نام برد و نام یکی از آنها - که به یادش ماند - نیز «بهرام» بود.

به هر حال در طول چند دقیقه همه سیصد و سیزده نفر را شمرد و گفت:

اینها یاران مهدی علیه السلام می باشند. و بلند شد و خدا حافظی کرد و رفت!

دکتر می گوید: او که رفت. من تازه به خود آمدم که این چه کسی بود؟

آیا من خواب بودم یا بیدار؟

از همسرم که در اتاق مجاور بود پرسیدم: آیا کسی با من کاری داشت؟

آیا کسی پیش من آمد؟

او گفت: آقای آمد و تندتند با شما حرف می زد!

دکتر می گوید: تازه فهمیدم که من خواب نبودم، و او از افراد معمولی

نبود.<sup>۱</sup>

---

۱. برگگی از دفتر آفتاب / ۲۱۰.

### جزیره خضراء!

آیا جزیره خضراء یک جای ثابتی است؟ یا این که هر کجا حضرت باشد آن جا جزیره خضراء است؟!

مؤید نظر دوم این که حضرت خضر علیه السلام که از آب حیات نوشیده، هر کجا می رود آنجا سبزه می روید! کما اینکه درباره حضرت خضر علیه السلام است که هر کجا ذکر شود و نام او برده شود آنجا حاضر است! هر وقت او را یاد کردید به او سلام کنید.

آیا امکان دارد که حضرت حجت علیه السلام که از او بالاتر است، چنین نباشد؟!

دل اهل ایمان، سبز و خرم و پایگاه حضرت حجت علیه السلام است.<sup>۱</sup>

### تشنگان وصال

آری، تشنگان را جرعه وصال و شیفتگان جمال را آب حیات و معرفت می دهند.

آیا ما تشنه معرفت و طالب دیدار هستیم و آن حضرت آب نمی دهد! با آنکه کارش دادرسی به همه است و به مضطربین عالم رسیدگی می کند.<sup>۲</sup>

### عنایت خاص حضرت

در این زمانه این گونه قضایا نادر اتفاق می افتد! اگر اتفاق بیفتد!! ولی

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۲/ ۳۰۸. ۲. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۲/ ۳۶۹.

## عنایت ویژه ﷺ ۹۳

انصاف این است که در زمان خیلی نزدیک به ظهور که ظلم فراگیر می‌شود: «ملئت ظلماً و جوراً»<sup>۱</sup> مضمون است بلکه بالاتر از ظنّ، به افرادی که پیش از ظهور در دین و ایمان باقی می‌مانند و ثابت قدم هستند، عنایت و الطاف خاصی شود، تا از دین خارج نشوند!

زیرا حضرت ولی عصر علیه السلام تکیه گاه مردم است و کسانی که تکیه گاهشان او باشد، گوه ایمانند!

گویا مردم تا زمان نزدیک ظهور تصفیه می‌شوند و: «يقوم... بعد ارتداد اکثر القائلین بامامته»<sup>۲</sup> یعنی بعد از بازگشت بیشتر کسانی که به امامت او اعتقاد دارند، قیام می‌کند!

قهرآگسائی که از ابتلاءات و آزمایش‌های الهی در آمده‌اند، الطافی ویژه از ناحیه آن حضرت شاملشان می‌گردد.<sup>۳</sup>

### حمایت‌های امام عصر علیه السلام

اگر به خدمت امام زمان حضرت مهدی علیه السلام اشتغال داشته باشید، آیا امکان دارد حضرت در فکر شما نباشد!<sup>۴</sup>

### امام در دل

چقدر بگویم که حضرت علیه السلام در دل هر شیعه یک مسجد دارد.<sup>۵</sup>

۱. اصول کافی: ۱ / ۳۴۱.

۲. بحار الانوار: ۱ / ۳۰.

۳. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۱ / ۱۰۲. ۴. بهجت عارفان / ۱۶۵.

۵. نکته‌های ناب / ۹۰.

### قلب آباد

امام علیه السلام در هر کجا باشد - جزیره خضراء یا غیر آن - با خضراء است. قلب مؤمن جزیره خضراء است. هر جا باشد حضرت در آن جا پامی گذارد. قلب‌ها از ایمان و نور معرفت خشکیده است. قلب آباد به ایمان و با خدا پیدا کنید، تا برای شما امضاء کنیم که امام زمان علیه السلام آنجا هست.<sup>۱</sup>

### مدت حکومت مهدی علیه السلام

شاید از بعضی روایات استفاده شود که عمر حضرت حجت علیه السلام بعد از ظهور زیاد نیست، لذا بعضی که انتظارش را دارند، از این جهت ناراحت‌اند!

اما دیگر فکر نمی‌کنند که یک روز آن حضرت، سالها می‌ارزد! به حسب طمع دوستانش، هزار سال هم کم است، ولی فکر نمی‌کنند که یک روز آن حضرت برای آن‌ها سالها ارزش دارد.<sup>۲</sup>

### کتابهای سید!

خوب نیست که اهل اعلم، کتاب‌های سید بن طاووس رحمته الله علیه را نداشته باشند. همه کتاب‌های او خوب است.

حاجی نوری رحمته الله علیه درباره سید بن طاووس رحمته الله علیه نوشته است: باب لقای حضرت غائب علیه السلام برای او مفتوح بود.<sup>۳</sup>

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۱۷۹ / ۲. ۲. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۴۱۵ / ۲.

۳. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۴۱۸ / ۲.



۵

نزدیکی ظهور

قال رسول الله ﷺ:

المهدىُّ منّا اهل البيت، يصلحه الله فى ليلة.

(معجم احاديث الامام المهدي عليه السلام، ج ١، ص ٤٥٨).

حضرت رسول خدا ﷺ فرمود: مهدى از ما اهلبیت است و خداوند امر ظهور او را یک شبه مقرر می‌فرماید و موانع ظهورش را به یکباره برطرف می‌سازد.

قال الامام الصادق عليه السلام:

انّ لصاحب هذا الامر بيتا يقال له بيت الحمد، فيه سراج يزهر منذ يوم ولد الى يوم يقوم بالسيف لا يطفأ.

(معجم احاديث الامام المهدي عليه السلام، ج ١، ص ٣٨٠).

امام صادق عليه السلام فرمود:

امام عصر عليه السلام را خانه‌ای است که به آن خانه حمد می‌گویند. چون دنیا آمد چراغی در آن روشن ساختند که تا زمانی که شمشیر بدست قیام می‌کند همچنان روشن است و بر همگان نور افشانی است.

## نزدیکی ظهور

یکی از اهل علم می‌گفت: من در علم حروف دست دارم. از آیه‌ای استفاده کرده‌ام که فرج نزدیک است و آن حضرت بعد از سال ۱۴۰۲ هجری قمری ظهور می‌کند.

او نیز گفت که حتی این مطلب را از چه آیه‌ای استفاده کرده است. به علاوه گفت: در خواب دیدم که حضرت صاحب الزمان علیه السلام فرمود: در این جنگ - تحمیلی عراق بر علیه ایران - بیشتر خونریزی می‌شود، ولی غصه نخور، خودم می‌آیم و اصلاح می‌کنم. گویا شیعه از میان همه فرقه‌ها اولی به بلا هستند.<sup>۱</sup>

## ظهور در چند قدمی!

علائمی (حتمیه و غیر حتمیه) برای ظهور آن حضرت ذکر کرده‌اند؛ ولی اگر خبر دهند فردا ظهور می‌کند، هیچ استبعاد ندارد. لازمه این مطلب آن است که در بعضی از علایم، بداء صورت گیرد و بعضی دیگر از علایم حتمی هم مقارن با ظهور آن حضرت اتفاق می‌افتد.<sup>۲</sup>

---

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۸/۲    ۲. نکته‌های ناب / ۶۳

### ظهور نزدیک است

ما تا کنون به جوان‌ها بشارت می‌دادیم که ظهور حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام رادرک خواهند کرد؛ ولی اینک به پیرها هم بشارت می‌دهیم که دوران ظهور را خواهند دید!

### قساوت قلب علامت ظهور

با این که اندوه و شادی مؤمن به دیگر مؤمنان سرایت می‌کند، چرا با این همه بلاها و مصائب که بر اهل ایمان وارد می‌گردد، بی تفاوت هستیم؟ یا ما ایمان نداریم! و یا آن‌ها! و یا اینکه قلب‌ها قسی شده است! در روایت است که ظهور قائم آل محمد علیه السلام بعد از قساوت دل‌ها خواهد بود: «بعد قسوة القلوب»<sup>۳۲</sup>

### وقت ظهور؟

اگر چه خواب حجت نیست، اما اگر همراه با قرائن و ادله معتبره باشد می‌توان به آن اعتماد کرد.

شخصی در عالم خواب دید که پیامبر صلی الله علیه و آله در مجلسی نشسته‌اند و عده‌ای معمم و غیر معمم دور آن حضرت هستند.

یکی از آنها که معمم بود، پرسید: ظهور فرزندان مهدی علیه السلام چه وقت است؟

۲. بحار الانوار: ۵۱ / ۳۶۰.

۱. حدیث وصال / ۱۲۳.

۳. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۱ / ۲۱۱.

حضرت فرمودند: وقتی مساجد شما مثل مساجد شام بشود!

پرسید: مساجد شام چگونه است؟

فرمود: درهایش از طلا است!<sup>۱</sup>

### از علائم ظهور

یکی از علائم آخرالزمان و قیام و ظهور حضرت مهدی علیه السلام آن است که:

«عند قسوة القلوب» یعنی هنگامی که مردم سنگدل و قسوی القلب شوند!

در هر حال، با ما اتمام حجت کرده‌اند که اگر در این زمان تکلیف خود

را بدانیم و بدان عمل نمائیم، باید از خوشحالی کلاهمان را به هوا بیندازیم!

و مواردی که اصالت برائت جاری نیست - مثل موارد دماء و اموال

خطیره و اعراض و اسلام و ضروریات دین - باید به احتیاط عمل کنیم.<sup>۲</sup>

### تعیین زمان ظهور

در تفسیر برهان سید هاشم بحرانی رحمته الله علیه در ذیل آیه شریفه «المص»<sup>۳</sup> و نیز

در غایة المرام<sup>۴</sup> به مناسبتی درباره وقت و علائم ظهور، روایت مشکلی به

حساب حروف نقل می‌کند که با قواعد نظری عقلی باید بررسی شود، و در

آخرش دارد:

«فافهم ذلك و اکتمه إلا من اهله» پس آن را بفهم و جز از اهلس پنهان کن.

اگر این روایت، وضعیّاتش (از حیث سند و صدور) درست باشد، از آن

۱. جلسه درس خارج فقه (۱۳۸۳/۳/۲۸) ۲. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۳۰۱/۲.

۳. احزاب / ۱. ۴. بحار الانوار: ۱۰۶/۵۲.

استفاده می‌شود که: «کذب الوقتون»<sup>۱</sup> یعنی تعیین کنندگان وقت ظهور برای غیر اهل، دروغگو هستند نه به طور مطلق!

این روایت روز و ماه و سال و محلّ و ساعت ظهور را یکجا بیان می‌کند. بنده روایتی نظیر این روایت که به این صورت حساب و شماره سال و ماه و روز و ساعت را ذکر نموده باشد، ندیده‌ام.

حسابی هم از تاریخ انقراض بنی العباس تا زمان ظهور برای راوی بیان کرده که خیلی زحمت می‌خواهد که انسان از آن نتیجه مطلوب را بگیرد. می‌فرماید: در فلان سال، حکومت بنی امیه زائل می‌شود.

راوی می‌گوید: تصدیقش را فهمیدم و...

اگر کسی بتواند در این روایت زحمت بکشد، حتی سال و ماه و روز و ساعت را به دست آورد. منتهی محتاج اعمال دقت و فکر و قرائن عقلیه است.

روی حسابی که بنده به دست آوردم احتمال می‌دهم بین سالهای ۱۴۱۴ یا ۱۴۱۵ و یا ۱۴۱۶ قمری مستقر باشد. البته شاید مقدمه و زمینه ظهور در آن سالها فراهم بشود. چنانکه سال انقراض حکومت بنی امیه را تعیین می‌کند که بعد از سی سال اتفاق افتاده، و آن سال که تعیین شده، سال مقدمه انقراض و تزلزل حکومت آنها است نه انقراض فعلی.

نقل کرده‌اند که یکی از علما که مدت هاست وفات کرده، فرموده است:

ظهور آن حضرت در سال دو چهارده در کنار هم (۱۴۱۴) است!<sup>۲</sup>

۱. کافی: ۱ / ۳۶۸.

۲. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۱ / ۳۵۹.

### آماده ظهور

سفیانی از شرایط قطعی ظهور است و چند ساعت بعد از ظهور سفیانی، حضرت ظهور می فرمایند.

حالا اگر اعلام شد که هم سفیانی و هم حضرت ظهور کرده اند، ما چه حالی داریم؟ چقدر آماده ایم!؟

استادی بود در نجف، شاگردی داشت که به علم جفر خیلی وارد بود. او قضایایی را خبر می داد که عین واقع بود. مثلاً در آن زمان رسم بود که شاهان به علما لقب می دادند. او به شخصی از علما که مخفیانه مقداری قند برای سلطان هدیه برده بود تا در عوض به او لقبی بدهد، در جلسه خلوتی گفت: قندها هدر رفت!! با آنکه کسی از این ماجرا خبر نداشت! و همانطور هم شد و لقبی به او ندادند.

بالاخره او در یک جلسه صبر کرد وقتی شاگردان رفتند به استاد گفت: من از طریق علم جفر می توانم زمان ظهور حضرت را خبر بدهم! اما اگر چنان کنم همه بر می خیزند و بیرون می روید و می گوید وای! وای! چون طاقتش را ندارید!<sup>۱</sup>

### اطلاع حضرت از زمان ظهور

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود:

«شیعتنا أصبر منّا... لأننا نصبر علی ما نعلم، و شیعتنا یصبرون علی ما

۱. جلسه درس خارج فقه (یکشنبه ۱۳۸۲/۷/۶).

«لا یعلمون» یعنی شیعیان ما از ما صابرترند... زیرا ما بر آنچه می دانیم صبر می کنیم ولی آنها بر آنچه که نمی دانند صبر می کنند.

حضرت غائب علیه السلام عجب صبوری دارد! با این که از تمام آن چه که ما می دانیم یا نمی دانیم اطلاع دارد و از همه امور و مشکلات و گرفتاری های ما با خبر است.

خود حضرت هم منتظر روز موعود است! و خودش می داند که چه وقت ظهور می کند!

این که گفته می شود که آن حضرت، وقت ظهورش را نمی داند، درست نیست!<sup>۱</sup>

### زمان ظهور

از آقای کرمانشاهی - که آقای جلیلی بود - درباره وقت ظهور امام زمان علیه السلام سؤال شد. ایشان فرمودند:

والله الهادی. والله الکریم. بعد ما ملئت ظلماً و جوراً... خداوند، خود هدایتگر و کریم است. بعد از آنکه زمین از ظلم و جور پر گردد...

ما نمی توانیم تعیین و تحدید کنیم که «ملئت ظلماً و جوراً» چه مرتبه از ظلم و جور منظور است! ولی ظاهر این است که وقتی «ظلم فراگیر و پر» شد دیگر کار تمام است و آن حضرت ظهور می کنند، زیرا نفرمودند: «ملئت و بقیت علی ما ملئت» یعنی: پر شود و بر آن حالت باقی بماند! بلکه فرمودند:

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۲۱۰ / ۱.



## نزدیکی ظهور ﷺ ۱۰۳

«ملئت» و این امر یعنی «ملئت ظلماً و جوراً» در این زمانه مستقر شده است، بطوری که الآن یک وجب از زمین، از ظلم و جور خالی نیست. ولی ما نمی‌توانیم تحدید و مشخص کنیم که مقصود چه مرتبه‌ای از «ملئت» منظور است؛ زیرا تمام خصوصیات وقت ظهور تعیین نشده است، و همه علامت‌هایی که برای ظهور کرده‌اند، واقع نشده است. از اینجا معلوم می‌شود که آن مرتبه از «ملئت» هنوز تحقق پیدا نکرده است.

واقعاً ما مسلمان‌ها، هنوز پیغمبر ﷺ از دنیا نرفته، چه بر سر خودمان آوردیم! آن هنگام که آن حضرت دستور فرمود: دوات و کاغذ بیاورید، تا وصیت کنم! بزرگان ما! گفتند:  
إِنَّ الرَّجُلَ لِيُهْجَرَ! یعنی این مرد هذیان می‌گوید!

### سال ظهور!

شخصی گفت: خلیفه ثانی را در خواب دیدم و از او پرسیدم: ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه در چه سالی است؟  
چه سؤالی! و از چه کسی!!  
وی پاسخ داد: این مطلب در سوره انبیاء ذکر شده است!  
آن آقا می‌گوید: در آیات مناسب آن جست و جو کردیم که آیا چنین چیزی پیدا می‌شود؟ چیزی بدست نیاوردیم مگر از آیه «لا تأتیکم الا بغتة»

یعنی آن جز به صورت ناگهانی نخواهد بود. کلمه «بغته» را با حروف ابجد حساب کردیم. هزار و چهار صد و هفت (۱۴۰۷) شد که به حساب سال هجری قمری، گذشته است.

و اگر به صورت «زُبر و بینات» حساب شود، به این صورت: «باء، غین، تاء هاء» تقریباً عدد هزار و چهار صد و شصت و اندی و یا هزار و چهار صد و هفتاد می‌شود! که هر چند خیلی تفاوت با اولی (یعنی ۱۴۰۷) ندارد، ولی اگر نوبت به هزار و چهار صد و شصت، یا چهار صد و هفتاد برسد، دیگر حتی یاد آن حضرت هم نمی‌کنیم! طاقت زیادی نداریم!<sup>۱</sup>

(بدیهی است در اینگونه نقل قولها، باید حساب احتمالات را هم در نظر گرفت، همان‌طور که خود معظم‌له در موارد گوناگون - از جمله در صفحه ۱۰۰ همین کتاب - به آن اشاره فرموده‌اند).

### با خبری

آیا می‌شود مولایمان از ما بی‌خبر باشد؟ یا ما را به حال خودمان وا بگذارد؟! اگر طلاب به وظیفه خود عمل کنند نگران نباشند، خود مولا مواظب، هست و این‌طور نیست که ما را از چشم بیندازد.<sup>۲</sup>

### روایات در عصر ظهور

تمام روایات و نیز اقوال علمای گذشته تا روز ظهور باقی است، و حتی

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۵۱/۲. ۲. برگگی از دفتر آفتاب / ۸۳

## نزدیکی ظهور ﷺ ۱۰۵

در ایام ظهور هم هست. چون آنچه بعداً تحقق می‌یابد، شارح ما قبل است  
نه ناسخ ما قبل!

و لذا در زمان ظهور هم این مطالب هست و مورد استفاده می‌باشد.<sup>۱</sup>

### کیفیت پیروزی

در زمان ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام معلوم نیست همه از روی صدق به  
او ایمان بیاورند، بلکه چه بسا عده زیادی از ترس سیف (و شمشیر) به او  
ایمان می‌آورند.

او عده زیادی را به قتل می‌رساند، بطوری که عده‌ای می‌گویند مگر پسر  
پیغمبر هم این همه آدم می‌کشد؟ و خون می‌ریزد؟!<sup>۲</sup>

---

۱. جلسه درس خارج فقه (۱۳۸۲/۱۱/۷).

۲. جلسه درس خارج فقه (یکشنبه ۱۳۸۴/۲/۲۵ - ۶ ربیع الثانی ۱۴۲۶).

۶

**تشرفات**

قال الامام المهدي عليه السلام:

و لو أنّ اشياعنا و فقههم الله لطاعته على اجتماع من القلوب في  
الوفاء بالعهد عليهم لما تأخر عنهم اليمن بلقاءنا و لتعجلت  
لهم السعادة بمشاهدتنا على حق المعرفة و صدقها منهم بنا.  
فما يحسبنا عنهم الاّ ما يتصل بنا مما نكرهه و لا تؤثره منهم.  
احتجاج طبرسي، ج ۲، ص ۴۹۸.

حضرت غائب عجل الله تعالى فرجه الشريف مرقوم  
فرمودند: اگر شیعیان ما که خداوند آنها را بر بندگی  
خویش موفق بدارد، در وفای به عهد و پیمان الهی  
اتفاق و اتحاد می داشتند و عهد و پیمان الهی را محترم  
می شمردند، سعادت دیدار ما نائل می شدند در حالی که  
معرفت واقعی و صداقت کامل داشتند.

پس آنچه موجب جدایی ما و دوستانمان گردیده - و  
سعادت دیدار ما را از دست داده اند - و از دیدارمان  
محرومشان کرده است، چیزی نیست جز خطاهای آنها  
و نافرمانی اشان از دستورات الهی و هر آنچه که انجام  
می دهند و ما را خوش نمی آید.

تنها عامل دوری آنها از ما، ارتکاب اموری است که ما  
نمی پسندیم و خوش نمی داریم!

## اعلام دیدار

(بازگو کردن مکاشفه و دیدار با حضرت ولی عصر علیه السلام برای دیگران و عامه مردم): «تکلیف مدعی است».  
(و ترتیب اثر دادن به چنان ادعاهایی): «دایر مدار یقین عامل است»<sup>۱</sup>

## ادعای دیدار

روایت: «من ادعی المشاهدة...» قطعاً سماع و صوت و مکاتبه را شامل نمی‌شود (یعنی کسی ادعای شنیدن صدای امام عصر علیه السلام را بکند یا ادعای مکاتبه آن حضرت با او را، نباید مورد تکذیب قرار داد). و حتی کسی را که بعد از تشریف به محضر حضرت و رفتن ایشان می‌فهمد که آن کسی که با او ملاقات کرد، حضرت بوده است، نیز شامل نمی‌شود.<sup>۲</sup>

## دیدار یار

از مرحوم شیخ علی زاهد رحمته الله که شب‌های چهارشنبه به مسجد سهله می‌رفت، سؤال شد: آیا تا به حال که اینهمه به مسجد سهله رفته‌اید، چیزی

---

۱. به سوی محبوب ۱/ ۷۴.

۲. جلسه درس خارج فقه (۱۳۸۲/۷/۱۶).

دیده‌اید؟ و تشرّفی به خدمت حضرت صاحب علیه السلام برای شما حاصل شده است؟

ایشان در جواب فرموده بود: حتی ندیدم کسی را که احتمال بدهم او باشد!

با این حال، آن همه در رفتن پافشاری داشت!<sup>۱</sup>

### افضل از تشرّف!

لازم نیست که انسان در پی این باشد که به خدمت حضرت ولی عصر علیه السلام تشرّف حاصل کند! بلکه شاید خواندن دو رکعت نماز پس از توّسل به ائمه علیهم السلام بهتر از تشرّف باشد! زیرا هر کجا که باشیم آن حضرت می‌بیند و می‌شنود، و عبادت در زمان غیبت، افضل از عبادت در زمان حضور است!

و زیارت هر کدام از ائمه اطهار علیهم السلام مانند زیارت خود حضرت حجت علیه السلام است.<sup>۲</sup>

### غفلت از حضرت

تنها پیدا کردن و دیدن آن حضرت علیه السلام مهم نیست؛ زیرا دیدن آن حضرت در عرفات یا در جای دیگر، که همیشه میسور نمی‌شود و ممکن نیست. لذا آقایی گفته بود: شاید شما هم به خدمت آن حضرت مشرف

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۲/ ۱۲۷. ۲. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۱/ ۱۸۷.

## تشرفات ۱۱۱

شده‌اید! و خیلی‌ها مشرف شده‌اند. اگر مشرف شدید، به آن حضرت نگویید که از خدا برای من، زن و خانه، دفع فلان بیماری و یا امراض خصوصی و... بخواه! زیرا اینها چندان اهمیت ندارد.

هم چنین آقای دیگری گفت: در اعتکاف مسجد کوفه آن حضرت را در خواب دیدم که به من فرمود: این‌هایی که به این جا - مسجد کوفه - آمده‌اند، از مؤمنین خوب هستند ولی هر کس حاجتی دارد و برای بر آورده شدن حاجت خود آمده است مانند خانه، فرزند و... و هیچ کدام برای من نیامده‌اند!

البته محتاج به خواب هم نیست، مطلب همینطور است و هر کدام در فکر حوایج شخصی خود هستیم، و به فکر آن حضرت که نفعش به همه بر می‌گردد و از اهمّ ضروریات است، نیستیم!<sup>۱</sup>

### راه دیدار

(برای زیارت حضرت غایب علیه السلام) زیاد صلوات و اهداء به وجود مقدس آن حضرت بنمایید، مقرون با دعای تعجیل فرجش. زیاد به مسجد جمکران مشرف شوید با ادای نمازهایش.<sup>۲</sup>

### طریق تشرّف

مرحوم آقای قاضی ختمی را به آقای حاج شیخ محمد تقی آملی

---

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۲/ ۲۶. ۲. به سوی محبوب: ۱/ ۵۹.



(صاحب حاشیه شرح منظومه سبزواری) یاد دادند برای آنکه خدمت امام زمان مشرف شود.

ایشان در وادی السلام یا مسجد سهله شروع به ختم کردند؛ ولی ختم تمام نشده، وحشت او را فرا می‌گیرد و فرار می‌کند!  
 آقای قاضی به ایشان می‌فرماید: وحشت نداشت! و فرار برای چی؟

معلوم بود که از جریان مطلع است!<sup>۱</sup>

### اصلاح خویش، رمز تشرّف

حاجی نوری می‌گوید: شخصی بود که باب لقاء حضرت حجت علیه السلام برایش مفتوح بود. روزی یکی از علما به او گفت: به حضرت بگویند که کی و کجا می‌شود خدمتشان رسید؟!

او رفت و بعد از مدتی که آمد، صبر کرد تا شاگردهای آن عالم رفتند. او پرسید که به آقا گفتید پیغام ما را؟ گفت: آری و در جواب فرمودند که: «شما خودتان را اصلاح کنید، ما به زیارتتان می‌آییم»!

توجه کنید به عبارت: «زیارت»!<sup>۲</sup>

### تهذیب، شرط تشرّف

در تهران استاد روحانی‌ای بود که لمعتین را تدریس می‌کرد. او از یکی از

۱. روزنه‌هایی از عالم غیب / ۳۶۵.

۲. جلسه درس خارج فقه (یکشنبه ۱۳۸۲/۷/۶).

طلاب و شاگردانش که از لحاظ درس خیلی عالی نبود، کارهایی نسبتاً خارق العاده می‌دید و می‌شنید.

روزی چاقوی استاد که خیلی هم به آن علاقه داشت (و برای درست کردن و تراشیدن قلم نی از آن استفاده می‌کرد) گم می‌شود و هر چه می‌گردد آن را پیدا نمی‌کند، و به تصور آنکه بچه‌هایش آن را برداشته‌اند و از بین برده‌اند، با بچه‌ها و خانواده به عصبانیت رفتار می‌کند.

مدتی بدین منوال می‌گذرد و چاقو پیدا نمی‌شود و عصبانیت آقا نیز فرو نمی‌نشیند!

روزی آن شاگرد بعد از درس بدون مقدمه به استاد می‌گوید: آقا! چاقویتان را در جیب جلیقه کهنه خود گذاشته‌اید و فراموش کرده‌اید! بچه‌ها چه گناهی دارند؟

آقا یادش می‌آید و تعجب می‌کند که آن شاگرد چگونه از آن اطلاع داشته است؟! از اینجا دیگر یقین می‌کند که او با اولیای خداوند سرو کار دارد.

روزی به او می‌گوید که بعد از درس با شما کار دارم. چون خلوت می‌شود، می‌گوید: آقای عزیز؛ مسلم است که شما با جایی ارتباط دارید، به من بگویید آیا خدمت آقا امام زمان علیه السلام مشرف می‌شوید؟

اصرار می‌کند و شاگرد ناچار می‌شود و جریان تشرّف خود به محضر آقا را به او می‌گوید. استاد می‌گوید: عزیزم! این بار وقتی مشرف شدید، سلام بنده را برسانید و بگویید که اگر صلاح می‌دانند چند دقیقه‌ای اجازه تشرّف به حقیر بدهند.

مدتی می‌گذرد و شاگرد طلبه چیزی نمی‌گوید و استاد نیز از ترس اینکه

نکند جواب منفی باشد، جرأت نمی‌کند از او سؤال کند؛ ولی به جهت طولانی شدن مدّت، صبر آقا تمام می‌شود و روزی به طلبه می‌گوید: آقای عزیز! از عرض پیام من خبری نشد؟

می‌بیند که آقای طلبه به اصطلاح این پا و آن پا می‌کند! آقا می‌گوید: عزیزم! خجالت نکش، آنچه فرموده‌اند را به حقیر بگویند، چون شما فقط قاصد بودی و «ما علی الرسول الاّ البلاغ المبین».

آن طلبه با نهایت ناراحتی می‌گوید: آقا فرمودند: «لازم نیست ما چند دقیقه به شما وقت ملاقات بدهیم، شما تهذیب نفس کنید، من خودم نزد شما می‌آیم!»!

### سیمای جوان امام

کسانی که به حضور حضرت حجت علیه السلام مشرف شده‌اند و امام زمان علیه السلام را چه در خواب و چه در بیداری دیده‌اند، معمولاً آن حضرت را در سنّ جوانی و به صورت شخصی سی تا چهل ساله دیده‌اند! البته به جز یک نفر که مدّعی است ایشان را در سنّ بیش از هزار سالگی و سالخورده و به سن واقعی آن حضرت دیده است.<sup>۲</sup>

### رساله به دستور امام

مرحوم آقای قاضی رفیق مرحوم آقای سید حسن صدر بوده

۱. بهجت عارفان / ۱۸۰.

۲. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۲ / ۲۴۷.

و می فرموده که ایشان به دستور حضرت ولی عصر علیه السلام رساله نوشتند! مرحوم سید حسن صدر در فقه ید طولایی داشت.<sup>۱</sup>

### فرجم نزدیک است!

آیا نباید در فکر این باشیم که از کسی که خداوند برای اصلاح جامعه قرار داده، بخواهیم که بیاید!

خود او در مسجد سهله، جمکران، و در خواب و بیداری در گوش افرادی از دوستانش بدون این که او را ببینند، فرموده است: «فرج من نزدیک است، دعا کنید».

یا به قولی فرموده: «فرجم نزدیک است، دعا کنید بداء حاصل نشود!»<sup>۲</sup>

### درک زمان ظهور

یکی از کسانی که مرتبط با حضرت ولی عصر علیه السلام برایم پیغام داد که حضرت فرموده است که ظهور نزدیک است. او سؤال کرده که چه مقدار نزدیک است؟ فرمود: (آقای) بهجت ظهور را درک می کند!<sup>۳</sup>

### حضور حضرت حجت در مجلس

خیلی دیده شده و گفته اند که: حضرت حجت علیه السلام را در مجالس توسل یا حدیث کساء حاضر دیده اند، هر چند جد بزرگوارش پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بلکه

۱. روزنه‌هایی از عالم غیب / ۳۷۱.

۲. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۱ / ۱۰۸.

۳. حدیث وصال / ۱۲۴.

حضرت امیر فاطمة زهرا و حسنین علیهما السلام هم حاضر بوده‌اند؛ زیرا اهل کساء از آن حضرت افضل‌اند، ولی فضیلتی و خصیصه‌ای برای آن حضرت است که برای آن‌ها نبود و آن طول عمر و اشراق و افاضه به او است.<sup>۱</sup>

### تشرّف قطعی

مرحوم آقای حاج شیخ طه نجف (از مراجع تقلید و معاصر میرزای شیرازی) خدمت امام عصر علیه السلام تشرّف داشته است.<sup>۲</sup>

### حضرت در مجلس حدیث کسا

شخصی نقل کرد که نسخه‌ای از حدیث کسا را پیدا کرده است که از شرایطش، روشن کردن عود در مجلس است! هر کس آن را - با این شرط - بخواند، حضرت حجت علیه السلام و انوار خمسه طیبیه در آن مجلس حاضر می‌شوند. الان یکسال است آن شخص وفات کرده است. آیا ما نباید در توجه به خداوند، به سفیر و ولی او متوسل شویم!<sup>۳</sup>

### تشرّف کوفی

من آقا شیخ محمد کوفی را دیده بودم. و از ایشان دو تشرّف مشهور بود که احتیاجی به سند نداشت.

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۱۵۲ / ۲. ۲. روزنه‌هایی از عالم غیب / ۴۹.

۳. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۳۶۵ / ۱.

یکی از دو تشریف به این شرح است:  
ایشان در بالا خانه خود سکونت داشته است. صدایی از پایین می شنود  
که آقا در مسجد سهله تشریف دارند، به آنجا برو.  
آقا شیخ محمد می ترسد شب راه بیفتد و به مسجد برود و اعتنا نمی کند.  
دوباره صدا را می شنود و بالاخره خانم او به او می گوید بلند شو و برو! آقا  
شیخ محمد با ترس و لرز به طرف مسجد روانه می شود.  
نزدیک مسجد، عرب جوانی را که خنجر داشته، می بیند و می ترسد!  
ولی آن جوان عرب به او تبسم می کند و با هم تا نزدیک در مسجد می روند.  
آن عرب از پشت در صدا می زند و درب باز می شود! و هر دو به مسجد  
وارد می شوند و هر کدام در گوشه ای مشغول عبادت می شوند.  
آقا شیخ محمد پس از گذشتن مدتی، تازه می بیند که در مسجد را باز کردند!

### برکات حضور

نوشته اند: شخصی در کربلا، بالای سر حرم حضرت سیدالشهداء علیه السلام  
می خواست نماز بخواند، و نمی دانست که آیا شب اول ماه رجب و شب  
زیارتی سیدالشهداء علیه السلام است یا خیر، لذا سؤال می کند که:  
الليلة ليلة أول الشهر؟ آیا امشب، شب اول ماه است یا خیر؟ آقای دیگری  
که می خواست مشغول نماز بشود، جواب داد: نعم، الليلة ليلة الزيارة! بله  
امشب، شب زیارت است. و مقصود او این بود که بله، شب اول ماه است.

خدا می‌داند که اگر حضرت صاحب‌الزینة در میان ما حاضر بود، از چه جهاتی حتی برای شناخت اول ماه یا تاریخ اعیاد و وفیات ائمه اطهار مستغنی بودیم.<sup>۱</sup>

### تشریف در خواب

(یکی از سادات که مکرر خدمت امام غائب رسیده است) اظهار می‌کرد: بچه سه روزه‌ام بیمار شد. دکتر گفت: باید به او سرم بزنی. من از آن امتناع کردم و به مسجد جمکران رفتم و متوسل شدم. آن حضرت را در خواب دیدم که در محراب نشسته است و همه را مورد تفقد قرار می‌دهد. جلو رفتم و حاجت خود را اظهار کردم و گفتم: بچه‌ام مریض است و تا شفای او را ندهید از اینجا نمی‌روم، و خانه هم می‌خواهم، به کربلا هم می‌خواهم بروم!

آن حضرت فرمود: بچه خوب شده است، به خانه که برگردی اهل خانه می‌گویند بهتر است و بعد از ظهر کسالت او برطرف می‌شود. خانه هم درست می‌شود. به کربلا هم خواهی رفت!

به خانه برگشتم و دیدم بچه بهتر شده است و بعد از ظهر کسالت او رفع گردید. و خانه هم درست شد، یکنفر به او زمین داد و دیگری ساختمان و دیگری چیزی دیگر داد تا خانه کامل شد.

و در آخر هم شخصی بانی کربلای او گردید و به کربلا رفت.<sup>۲</sup>

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۲/ ۱۵۶. ۲. روزه‌هایی از عالم غیب / ۵۳.

### نظارت امام عصر (ع)

آیا نباید توجه داشته باشیم که ما رئیس داریم که بر احوال ما ناظر است؟! وای بر حال اگر در کارهایمان او را ناظر ببینیم، و او را در همه جا ناظر ندانیم!

گناهان شخصی که در خلوت انجام می‌گیرد و ربطی به امور اجتماعی ندارد، استحقاق جهنم را دارد: «الآ بتوبة مناسبة للحال» یعنی مگر با توبه مناسب حال.

عواقب گناهان اجتماعی که موجب تغییرات در جامعه و اختلال نظام و انحلال آن، و یا تحریم حلال و ترک واجب و یا مصادره اموال، هتک حرمت و قتل نفوس زکّیه و ریختن خون مسلمانان و حکم به ناحق و... می‌شود، چگونه خواهد بود؟

با وجود اعتقاد به داشتن رئیسی که «عین الله الناظرة» است آیا می‌توانیم از خطر الهی فرار کنیم و یا خود را پنهان کنیم؟! و هر کاری را که خواستیم انجام دهیم؟! چه پاسخی خواهیم داد؟

همه ادوات و ابزار را از خود او می‌گیریم و به نفع دشمن به کار می‌گیریم! و آلت دست کفار و اجانب می‌شویم و به آنها کمک می‌کنیم! چقدر سخت است اگر برای ما این امر ملکه نشود که در هر کاری که می‌خواهیم اقدام کنیم و انجام دهیم، ابتدا رضایت و عدم رضایت او را در نظر بگیریم و رضایت و خشنودی او را جلب نماییم!

البته رضایت و سخط او در هر کاری معلوم است، ظاهراً منتهی به واضحات می‌شود، و در غیر واضحات و موارد مشکوک باید احتیاط کنیم.



در همین اواخر اتفاق افتاده که شخصی در تقلید و تعیین مرجع شایسته شک و تردید داشت، در خواب چهرهٔ شخص مورد نظر را به او معرفی کردند. به نجف رفت و پس از جستجو او را پیدا کرد. همچنین برای بعضی اتفاق افتاده که در بقاء بر تقلید یا عدول به حقی تردید داشته‌اند، از قبر معصوم شنیده است که «باقی باش»!<sup>۱</sup>

### تشرّف در مدینه

در زمان ما هم افراد زیادی خدمت آن حضرت مشرف می‌شوند. یکی از سادات اصفهان به مدینه منوره رفت و ضمن نامه‌ای از پیامبر اسلام درخواست که توفیق تشرّف خدمت امام عصر علیه السلام نصیبش گردد. آن سید محترم می‌فرمود که تشرّف حاصل نشد تا روزی که می‌خواستیم از مدینه برویم. در آخرین ساعات که زیارت کردم و می‌خواستم از درب خروجی حرم خارج شوم، دیدم آقای نورانی وارد حرم می‌شود و هیچ‌گونه ازدحام مانع ورود او نیست! به راحتی داخل شد. به من که رسید سلام کرد و فرمود: انا ابنه! یعنی من پسر پیامبرم.

بعد در فکر فرو رفتم! او که بود که ازدحام جمعیت مانع او نبود! و سلامش و گفتارش چه بود؟ فهمیدم آن بزرگوار بوده است!<sup>۲</sup>

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۱ / ۸۹ ۲. روزنه‌هایی از عالم غیب / ۵۲.

### امام عصر علیه السلام از دیدگاه اهل سنت

خیلی از علمای اهل سنت، مخصوصاً عرفای آنها به خاتم الاوصیاء علیه السلام اقرار کرده‌اند. حتی صدرالدین قونوی شاگرد محی الدین در وصیتنامه‌اش می‌نویسد: «اگر امام مهدی علیه السلام را درک کردید، معارف را از او بگیرید و از او تجاوز نکنید و حرف کس دیگر را گوش نکنید».

خود محی الدین هم می‌گوید:

«در طواف خانه خدا، محمد المهدی علیه السلام را دیده‌ام!»

### دعای فرج در اول وقت!

یکی از سادات که عمومه هم نداشت و روضه می‌خواند و مسئله می‌گوید، اخیراً هم نزدیک مسجد جمکران خانه گرفته و همانجا زندگی می‌کند، مکرراً آن حضرت را دیده که پس از بیرون آمدن از مسجد جمکران غائب می‌شوند.

ولی در یکی از دیدارها، همان وقتی که با هم صحبت می‌کردند، آن حضرت غائب شده است، به هر صورت به ایشان فرمود که به کسانی که دعای فرج را می‌خوانند بگو آن را در اول وقت بخوانند!<sup>۲</sup>

### مسجد جمکران

عده‌ای از پاکان و نیکان با حضرت صاحب علیه السلام سؤال و جواب می‌کنند

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۲ / ۳۰۹. ۲. روزنه‌هایی از عالم غیب / ۵۳.

و حاجت می طلبند و جواب می گیرند، و در مسجد جمکران صدای آن حضرت را می شنوند!

آقای راکه در بیداری دیده بودم، در خواب به من فرمود: چرا به مسجد جمکران نمی آیی؟!<sup>۱</sup>

### پیوستن به امام

شخصی بنام شیخ غلامرضا کسائی، خادم مدرسه علمیه در تبریزی بود، و اخلاقی بسیار نیک نسبت به طلاب داشت و انسان وارسته‌ای بود و صادقانه برای سربازان امام عصر علیه السلام خدمت می کرد.

یکی از طلبه‌ها گفت: شبی از اتاق بیرون آمدم و دیدم اتاق کوچک این خادم چنان نوری دارد که روشنایی آن، غیر از نورهای عادی است! جلو رفتم و فهمیدم با شخصی در حال سخن گفتن است! صدای خادم را می شنیدم اما صدای طرف مقابل را نمی شنیدم. بعد از مدتی نور تمام شد! جلو رفتم و در زدم. خادم پرسید: چکار داری؟ گفتم: چه کسی اینجا بود؟ چیزی نگفت. گفتم: یا ماجرا را بگو یا فریاد می زنم و همه طلاب مدرسه را خبر می کنم! کمی فکر کرد و با آنکه خیلی کم حرف بود، گفت: می گویم ولی قول بده که تا روز جمعه چیزی از این ماجرا به کسی نگویی. من قول دادم. آنگاه گفت: در روز جمعه یکی از ابدال می میرد و حضرت ولی عصر علیه السلام به من فرمودند که می خواهیم تو را به جای او قرار دهیم! روز جمعه آماده باش!

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۲: ۸۶.

این طلبه گفت: آن شب، شب چهارشنبه بود. روز چهارشنبه و پنجشنبه مراقب او بودم، دیدم بسیار عادی رفتار کرد تا اینکه جمعه شد. از طلوع فجر بطور جدی مراقبش بودم. دیدم باز هم کارهایش عادی و معمولی است. ساعت ده صبح لباسها و کفشهایش را شست، سپس وضو گرفت، و نزدیک ظهر دفعتاً غیب شد!

من ناگهان فریاد زدم و همه طلبه‌ها جمع شدند. گفتم: شیخ غلامرضا چه شد؟ گفتند: حتماً بیرون رفته است و برمی‌گردد! گفتم: نه! بلکه او رفت که رفت! سپس ماجرا را بیان کردم!

### التماس دعای امام!

آقایی که زیاد به مسجد جمکران می‌رود، می‌گفت: آقا را در مسجد جمکران دیدم. به من فرمود: به دل سوختگان ما بگو برای ما دعا کنند! بعد یک مرتبه از نظرم غائب شد! نه اینکه راه برود و کم‌کم از نظرم غائب شود!

همین آقا، هفته قبل از آن هم حضرت را در خواب دیده بود. ولی افسوس که همه برای برآورده شدن حاجت شخصی خود به مسجد جمکران می‌روند و نمی‌دانند که آن حضرت چه التماس دعایی از آنها دارد که برای تعجیل فرج او دعا کنند!

چنان که به آن آقا فرموده بود: این‌ها که به این جا آمده‌اند، دوستان

خوب ما هستند، و هر کدام حاجتی دارند: خانه، زن، فرزند، مال، ادای دین! ولی هیچ کس در فکر من نیست!  
 آری! او هزار سال است که زندانی است، لذا هر کس که برای حاجتی به مکان مقدسی مانند مسجد جمکران می رود، باید که اعظم حاجت نزد او، واسطه فیض، یعنی فرج خود آن حضرت را از خدا بخواهد.<sup>۱</sup>

### دستور تقلید

پیش اصحاب آقای قاضی این داستان شیوع داشت:  
 شخصی از هند به نجف آمده بود و در مسجد سهله متوسل به حضرت ولی عصر علیه السلام شد تا از ایشان پرسد که از چه شخصی تقلید کنم.  
 وقتی تشریف پیدا می کند، آن حضرت شخصی را به او نشان می دهد و به او می فرماید: از ایشان تقلید کن.

شخص مذکور مدتی در نجف ماند تا آن شخص را شناسایی کند. روزی به آقای قاضی برخورد می کند و می بیند ایشان همان شخص است که حضرت او را به ایشان ارجاع داده است!

ولی به این اکتفا نمی کند و پیش خود می گوید باید ببینم خودش هم اطلاع دارد یا نه!

آقای قاضی به او فرمودند: مسائلی داشتی، مراجعه کن و جواب آن را

بگیر!

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۱۱۸/۲.

می‌گوید: از هندوستان سؤال کردند که شخصی با غیر مسلمان می‌خواهد ازدواج کند. غیر مسلمان می‌گوید: من اسلام اختیار خواهم کرد، آیا ازدواج با او جایز است یا خیر؟

(البته نظر ایشان بوده که جایز نیست و گرنه بحسب ظاهر اظهار اسلام کافی است. و یا اینکه امری باطنی در کار بوده است!)

ایشان در جواب، اسم روزنامه‌ای را که در هند منتشر می‌شده است می‌برد و می‌فرماید: اگر در آن روزنامه اظهار اسلام کرد، با او ازدواج کند!

آن شخص به این کار حاضر نشد و کشف شد که قصد جدی برای اسلام نداشته است!

خیلی عجیب بود! ایشان با اینکه از روزنامه‌های داخلی هم اطلاع نداشت، چطور اسم روزنامه‌ای که در هند منتشر می‌شد را می‌دانست و ذکر فرمود!

### منتظران ظهور!

هر دقیقه‌ای که می‌گذرد جایگزین و عوض ندارد، از دست رفته و گذشته است و دیگر بر نمی‌گردد. ای کاش اگر خانه و در خانه را نمی‌دانیم، کوچه را می‌دانستیم!

حاج محمد علی فشندی رحمته هنگام تشریف به محضر حضرت صاحب رحمته

عرض می‌کند: مردم دعای توسل می‌خوانند و در انتظار شما هستند و شما را می‌خواهند، و دوستان شما ناراحتند!

حضرت می‌فرماید: دوستان ما ناراحت نیستند!!

ای کاش می‌نشستیم و درباره‌ی اینکه حضرت غائب علیه السلام چه وقت ظهور می‌کند، با هم گفتگو می‌کردیم تا حداقل از منتظرین فرج باشیم. اشخاصی را می‌خواهند که تنها برای آن حضرت باشند. کسانی منتظر فرج هستند که برای خدا و در راه خدا منتظر آن حضرت باشند، نه برای برآوردن حاجات شخصی خود!

چرا ما حداقل مانند نصاری‌ که در مواقع تحیر با انجیل ارتباط دارند، با آن حضرت ارتباط برقرار نمی‌کنیم!<sup>۱</sup>

### بحران هویت

حضرت حجت علیه السلام به کسانی که به خدمتش مشرف شده‌اند، فرموده است: برای بیرون کردن بچه‌ها از دین، همین مدرسه‌های دولتی - زمان طاغوت - کافی است.<sup>۲</sup>

۱. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۱۸۷/۲. ۲. در محضر آیه الله العظمی بهجت: ۸۳/۲.

## لز همین نویسنده منتشر شده است

۱. آداب دوستی و معاشرت
۲. آداب سفره و سفر
۳. آشنایی با زندگی ۱۴ معصوم
۴. اخلاق اسلامی در برخوردهای اجتماعی
۵. الماس آسمانی
۶. امام زمان و تشرف بانوان
۷. انتخاب همسر و ازدواج
۸. انتظارات امام زمان (عج) - از شیعیان -
۹. با پدر در پیچ و تاب زندگی (شرح نامه سر و یکم نهج البلاغه)
۱۰. برتری‌های قهرمان غدیر علی
۱۱. پشت پرده تاریخ
۱۲. جوان لحظه‌ای درنگ
۱۳. جوانه‌های جوان
۱۴. چهل وادی نور (خاضرات دیدار با جیل عارف سالک)
۱۵. حدیث وصال





۱۶. داستانها و عبرتهای قرآنی
۱۷. داستانهای ورام
۱۸. دررالفوائد فی الحاشیة علی الفرائد (آنخوند خراسانی)
۱۹. در عزای مظلومان (مصائب ۱۴ معصوم علیه السلام)
۲۰. رمز و راز منبر و مرثیه خوانی
۲۱. روش همسرداری
۲۲. ره توشه زائرین امام رضا علیه السلام
۲۳. ستون خیمه دین
۲۴. سیری در وادی عشق
۲۵. شناخت و درمان بیماریهای روحی
۲۶. شناخت و زیارت چهارده معصوم علیه السلام
۲۷. شنیدنیهای تاریخ
۲۸. عبرت‌های عاشورا
۲۹. عبور از غروب (قیام امام حسین علیه السلام از آغاز تا پایان اسارت اهل بیت)
۳۰. قلب قلعه ویران (خاطرات سفر به مسکو)
۳۱. گام چهارم نوسازی معنوی
۳۲. گفته‌ها و نکته‌ها
۳۳. گنجینه نهان
۳۴. نوای روزه داران (وقایع و دعاهاى ماه رمضان)